



کابل

کابل دیروز

کابل امروز

با فردای مبهم آن

مؤلف: یوهاندا غلام جیلانی عارض

۱۳۷۷ هـ. ش

لطفاً کلمات آتی را تصحیح فرمائید

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٦	١	راه، شد	راه رشد
٦	٥	مطالده	مطالعه
٤٦	٢١	نهظت	نهیضت
٥٤	١٦	کامل	کابل
٦٤	٢١	دستبرد	مورد دستبرد
٧٧	٧	C'etral	Central
٧٧	١٤	لاینفک	جزء لاینفک
٨٠	آخر	ررشم	ررسام
٦٧	١٨	٥٥٤	٥١٢

# کابل

کابل دیروز  
کابل امروز  
و کابل فردا با فردای مبهم آن



مؤلف:

پوهاند غلام جیلانی "عارض" "احمدیار"

۱۳۷۷ هـ. ش



## مشخصات کتاب:

---

کابل	:	نام کتاب
پوهاند غلام جیلانی "عارض" "احمد یار"	:	مؤلف
زاهد عمر لمیتد.	:	ناشر
ایشیا سافت.	:	کمپوز
حفیظ الله.	:	کمپوزر
۱۳۷۷ هـ ش.	:	سال نشر
دانش کتابخانه، قصه خوانی پشاور.	:	چاپ

# فهرست موضوعات



صفحه

موضوع

۱. پیشگفتار  
شهر کابل
۲. کابل دیروز
۳. موقعیت کابل
۴. منشاء شکل شهر کابل
۵. نقش هایدرولوگرافی
۶. عامل توپوگرافی
۷. نقش مذهبی و ستراتیژیکی
۸. نقش دفاعی و سیاسی
۹. سه بنای مهم بالاحصار
۱۰. نقش اقتصادی و تجارتي
۱۱. شبکه شهری کابل قدیم
۱۲. توسعه شهر کابل با نهادهای معاصر آن
۱۳. پلان مستوی شهر
۱۴. امور صنعتی
۱۵. امور تجارتي
۱۶. مؤسسات خدمات اجتماعی
۱۷. نفوس شهر کابل



۳۸	اجزای شیر کابل فدیسه
۳۹	پرابلم های آنوقت
۴۳	کابل امروز و ماجراهای تلخ آن
۵۲	مجاهدی افغانستان و فروپاشی کمونزم
۵۴	ورود مجاهدین به کابل
۵۷	فقر و بیچاره گئی های مردم کابل
	تثبیت موقعیت ساحات تخریب شده کابل ۶۱
۶۲	ساحات اقتصادی
۶۲	خدمات صحی
۶۳	مراکز تجارتی
۶۳	خدمات ترانسپورتی
۶۴	مراکز علمی و فرهنگی
۶۴	در بخش تحصیلات عالی
۶۵	در بخش ثانوی و متوسطه
۷۱	کابل فردا با فردای مبهم آن
۸۰	معضله بازسازی شهر کابل
۸۲	راه بیرون رفت
۸۵	شکل عملی و تطبیقی بازسازی شهر
۸۸	نتیجه گیری و پیشنهادات
۹۰	ای هموطن
۹۱	فهرست ماخذ
	نقشه و تصاویر
۱-6	اختصار به زبان انگلیسی

## پیشگفتار

رساله ئیکه تحت عنوان کابل (کابل دیروز، کابل امروز و کابل فردا با فردای مبهم و نامعلوم آن) در خامهٔ تحریر گنج‌نیده شده و به خوانندگان محترم اهدا میگردد از دو سه سال باینطرف توجه مرا بخود معطوف ساخته بود که به یاری خداوند و با استفاده از روزهای مهاجرت و دوری از کابل و وطن توانستم که این مجموعه کوچک را ترتیب و تالیف نمایم. نوشتن این اثر را يك وجیبه و وظیفه ملی و حتمی خود میدانستم، بخاطریکه کابل زادگاه مادری اکثر افغانها بوده رشد فکری و حب وطن را در تار و پود وجود همه نضج داده است، ثانیاً بخاطر آنکه در زوایای مختلف تاریخ و در ابعاد پارینه در طی قرون، کابل بزرگترین شاهراه تجارتی و پر عظمت ترین سنگرگاه دفاعی افغانستان محسوب می شد. در حومه و مجاورت کابل بود که قوای مهاجم سکندر کبیر بخود خوردی احساس کرد و از سنگر آهنین و قلعه مستحکم بالاحصار. کابل شاهان این مرز و بوم را در آسیای میانه و محدوده سند

و پنجاب کنترل می‌کرد، و از همین شهر تاریخی بود که قوای استعمارگر انگلیس چندین بار به شکست مواجه گردید. بابر این شهر زیبا را ستوده و شعرا دیوار ماریپیچ او را در بالای اسمائی و کوه شیر دروازه به ازدهای گنج تعبیر کرده است. کابل به صفت يك مرکز مهم سیاسی کلید آسیای میانه و حوزه سند بشمار می‌آید، از همین لحاظ در گذشته و حال محراق توجه جهانیان قرار داشته است.

مع الاسف که بخت به کابل و بر مردمان جنگ زده آن یاری نکرد و با ناسازگاری روزگار با مصایب و آلام اجباری طوری مصادف و مواجه شد و لگد مال گردید و از هم فرو پاشید که با داشتن تمامی افتخارات باستانی و استحکامات تسخیر نا پذیر نه تنها پناه گاه و آشیانه باشندگان اصلی خود شده نتوانست بلکه امکان پناه گزینی پرندگان معصوم محیط خود را هم فراهم نتوانست، در نتیجه به يك شهر ارواح به يك کشت زار مین، به يك مخروبه، به يك توده خاکستر و به يك شهر متروک شبیه شهر غلغله مبدل گردید.

ضربات راکت و خم پاره های آتشین، بمباردمان، ترور و اختناق کابل را به يك کالبد و به يك پیکره بی روح و بی طراوت مبدل ساخت، ویرانگری های اجباری و آتش زدندهای عمدی چهره و سیمای این شهر باستانی را کاملاً تغییر داده و مسخ کرد.

بناءً بخاطر جاودانه نگهداشتن خاطره این شهر با عظمت و حفظ مزایای پارینه تاریخی آن صفحه چند در قید



تحریر در آورده شد، تا خوانندگان هموطن ما و همشهریان  
محترم اگر در هر گوشه و کنار جهان باشند، ازین شهر زیبا و  
مسکن اولی خود معلومات مختصر در ذهن و روان خود داشته  
باشند تا بخاطر عمران و احیای مجدد آن بذل مساعی فرمایند  
و این پیکره بیروح را طراوت و روح تازه بخشند.

این رساله که به کمک محترم عبدالقدوس عمرزی شرف  
طبع را حاصل کرده است، مؤلف با این احساس ملی شان ارج  
میگذارد و باسپاس فراوان یاد آوری و تشکر مینماید.

مؤلف

پوهاند غلام جیلانی "عارض"

# شهر کابل

کابل دیروز (از تاریخ تشکیل الی ۱۳۷۰ هـ ش)

در مطالعه شهر کابل تمام روابط متقابل کلتوری و محیط طبیعی شهر مورد بررسی قرار میگیرد، با پیوند این رابطه متقابل تمام نهاد ها و ضابطه های بشری، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، صنعتی، تاریخی و مذهبی با ابعاد مختلف زمانی آن در محیط شهر از نظر گذشتانده میشود. ازین لحاظ ملاک های طبیعی و کلتوری در طول تاریخ وجوه چند بعدی را از لحاظ سیر انکشاف، تحولات و پی آمد های تاریخی (کرونو لوژیکی)، توسعه، تغییر و تحولات متمادی شهر کابل را بیشتر در محراق توجه دانشمندان قرار میدهد.

رشد و تنوع در ساختمانهای عمرانی شبکه شهر اوصاف اجتماعات، شکل تماس ها و برخورد ها، تقسیم کار، شغل و حرفه، تحرك اجتماعی، تراکم نفوس، تجانس و عدم تجانس بشری، تفاوت ها و قشر بندیهای اجتماعی تماماً در محیط

شهر کابل در طول تاریخ روند و آهنگ رشد کاملاً تدریجی و متفاوت داشته اما تحت هر نوع شرایط از تبعیت با محیط کلتوری و ثقافی خود برخوردار بوده است. بنا بر همین علت است که مطالعه شهر کابل را در دو بخش علیحده از نظر خوانندگان محترم میگذرانیم:

الف : کابل قدیمه یا Pre Industrial که بانهاد های ما قبل صنعتی زمان قرون وسطائی با استفاده از نیروی ایو تکنیک Eo- Technique سیر تکامل خود را دنبال میگرد.

ب : کابل معاصر که نهادهای معاصر صنعتی (Industrial) و کامپلکس های همه جانبه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در آن دخیل بوده، شاخص ها و نورمهای معاصر شهری را تمثیل کرده و در انکشاف آن تکنالوژی معاصر رکن مهم را دارا میباشد و در هر مرحله از لحاظ ساختمان های عمرانی و اجتماعی تازگی ها و نو آوری مفید را انعکاس میدهد.

در بخش اول سیر تکامل شهر کابل را باروند تاریخی آن که با چه حادثات، رویدادها و عواقبی مواجه میگردد در ارتباط با ضابطه های کلتوری و فنکشن های موثر اولی شهر مورد پژوهش قرار میدهیم، و در بخش دوم کامپلکس شهر

معاصر کابل را با در نظر داشت راه و شد توسعه و انکشاف آن توام با پرابلم ها و کاستی های آن از نظر میگذرانیم.

## موقعیت کابل:

کابل را باید در نظر داشت مفاهیم عام و خاص آن مورد مطالعه قرار داد. هر گاه به مفهوم خاص و به مقیاس نسبتاً خوردتر آنرا بررسی نمائیم، در انصورت کابل عبارت از شهریست که بدامان کوه شیر دروازه در امتداد بالاحصار، به استقامت پل خستی و پل باغ عمومی بدو سمت دریای کابل هسته گذاری شده، و در طی قرون و اعصار متوالی توسعه و انکشاف قابل ملاحظه را پیموده است. با گذشت زمان شهر کابل رقبه وسیعی را اشغال کرد، و پلان شهری آن اکنون الی انتهای شمال خیرخانه گسترش یافته و عمرانات آن مشرف بر کوه های هزاره بغل، کوتل خیرخانه، میدان هوایی و خواجه رواش میباشد. ساحه شرقی شهر کابل الی مجاورت ماهی پر، پل چرخی، کوتل لته بند، و حصه از بگرامی، ساحه جنوبی آن الی سیاه بینی، دارالامان، و دامنه های تپه تاج بیگ و قسمت غربی آن الی دامنه های قرغه، دو راهه پغمان، دشت برچی و قلعه قاضی توسعه یافته است. و دهکده های چاردهی، بی بی مهرو و اطراف آن فعلاً جزء قلمرو شهری میباشد. مرکز پغمان هم زمانی جزء شاروالی و تأسیسات شهری قرار داشت و عمارات و آبدات آن که از ساختمانهای معاصر شهری نمایندگی میکند، که در غرب کابل تفریحگاه مرغوب مردم

شهر کابل (Urbanization) مثل سایر شهر های جهان مراحل تکاملی خود را دنبال کرده و شامل یازده ناحیه شهری است. موقعیت کابل بر اساس شاخصهای علمی بالای عرض البلد ۳۴ درجه و ۳۳ دقیقه شمالی و طول البلد ۶۹ درجه و ۱۲ دقیقه شرقی واقع شده که این دوائر تقریباً از مرکز شهر میگذرد، ارتفاع کابل از سطح بحر در حصه میدان هوایی ۱۷۶۷ متر، و بلند ترین قله شیر دروازه (۲۲۱۸,۵) متر و مرتفع ترین حصه کوه آسه مائی (۲۱۰۴,۴) متر میباشد.

کابل به مفهوم عامتر آن عبارت از ولایتی است بنام ولایت کابل که شامل ولسوالی های پغمان، چاردهی، ده سبز، بگرامی، شکرده، قره باغ، و سروبی بوده و چندی قبل لوگر، میدان، وردک، و پروان نیز جزء از ولایت کابل محسوب میگردید.

اما در تزك بابرى حدود کابل را اینطور شرح داده

اند: (۱)

"کابل از اقلیم چارم است، در میان معموره واقع شده است، شرقی آن لمغانات و پر شاور و کاشغر، غربی آن کوهستانهایست که کرنو و غور در آن کوهستانست، شمال او ولایت قندوز و اندراب است، کوه هندوکش در میان است و جنوبی او فرمل و نغر و بنو است.

مختصر ولایت است، طولانی افتاده، طول او از مشرق

---

۱- تزك بابرى، و آرامگاه بابر ص - ۵۶.

به مغرب است، اطراف و جوانب او تماماً کوهست. قلعه او بکوه پیوست است، در میان غرب و جنوب قلعه يك پارچه کوه خرد است در قلعه آن کوه چون شاه کابل عمارت کرده بود. این کوه را شاه کابل میگویند، امتداد این کوه از تنگی انورین است تا تنگی ده یعقوب تمام میشود گرد اگر د او يك میل بوده باشد. در دامنه این کوه تماماً باغاتست، در زمان عم من الغ بیگ میرزاویس اتکه در دامنه این کوه يك جوی بر آورده، باغیکه درین دامنه است تمام با این جوی معمور است، پایان آب گلکنه است، برسر يك چشمه (خواجه شمو) نام مزاریست و در چشمه دیگر قدمگاه خواجه خضر است، این دو گشتن گاه مردم کابل است. يك چشمه دیگر رو بروی خواجه عبدالصمد است خواجه روشنائی میگویند.

از شهر کابل يك بینی گاه جدا شده عقابین میگویند، يك کوه خرد افتاده، ارگ کابل بر بالای این کوهست، قلعه طرف شمال ارگ است، این ارگ غریب مرتفع و خوش هوا جایی واقع شده، برین کول کلان و سه اولانگ دیگر سیه سنگ و سونگ، قرغان و چالاک باشد مشرف است و تمام اینها زیر پایند، در ارگ بطرف شمال آن خانه های دریچه دار بسیار خوش هواست...

از توضیحات فوق چنین بر می آید که کابل به مفهوم عام آن ولایت برزگی را احتوا میکرد که در شمال آن کندز، در غرب آن غور، در جنوب بنو حصه از پکتیا و در شرق آن لغمان، پشاور و کاشغر موقعیت داشت و به این اساس ساحه

وسیعی را در بر میگرفت که خیلی سر سبز، معمور و آبادان بود.

حوزه کابل از جمله مفاهیم و مقولات دیگر محیطی است که شامل تمام حوزه آبیگر دریای کابل میشود که از کوتل اونی، منبع دریای غوربند، پنچشیر، دریای لندر، لوگر، دریای علی شنگ، علینگار، منبع دریای کنر و سرخورد شامل بوده و به این حساب این حوزه آبیگر در حقیقت حوزه کابل را تشکیل میدهد که شامل ولایات مجاور کابل نیز میگردد و در حقیقت ساحه خیلی وسیع را در بر میگیرد که قرین و منطبق به ساحات ترك بابری است.

### منشأ تشکل شهر کابل:

تشکل شهر کابل عامل مجرد و واحد نداشته بلکه چندین فکتور در تشکیل این شهر با عظمت و تاریخی سهم بزرگ را دارا میباشد. طوریکه در مدنیت باختر، مدنیت مزوپوتامیا، حوزه نیل و سنده اکثر شهرها در مسیر دریاها با مساعدت آب، خاک و اقلیم مناسب پا به عرصه وجود گذاشته، کابل قدیمه نیز اولین بار با استفاده از موجودیت دریای کابل و موقعیت مناسب (Site) فزیکتی سیر انکشاف خود را پیموده و بعداً نقش سیاسی، مذهبی، اقتصادی از جمله فکتورهای مؤثر در رشد و انکشاف کابل سهم ارزنده را ایفا کرده است.

از تحقیقات جنرال کنگهم بر می آید که کابل را

بطليموس بنام (کارورا) یا (کابورا) و مردم آنرا بنام (کابولیتای) و سر زمین بلند آنرا (اورتسپانا) یاد کرده است،<sup>۲</sup> این کلمه در زبان سانسگرت (اور دهستهانا) به معنی شهر بلند آمده است.

نقش هایید روگرافی:

در سرود های ریگ ویدی کلمه (کوبها) بالای رود خانه ها اطلاق میگردد، (کوفن) یا (کوفس) نام یونانی است که آنها بالای رود کابل گذاشته بودند.

درینجا دو پدیده عینی و موجه را در تشکیل شهر کابل مییابیم، اولی دریای کابل که بقول یونانیها (کوفن) یاد شده و دوم شهر بلند (اورتسپانا) یا (اوردهستهانا) که همین موقعیت بالا حصار کابل را ازان میتوان استنباط کرد.<sup>۳</sup>

عده از مستشرقین شهر کابل قدیم را بنام (کاپیلا) یاد کرده اند که احتمالاً شهزادگان کنشکا این نام را بران گذاشته باشند، برخی را عقیده برین است که کابل بنام پسران نوح (قابل و کابولا) یا (کابول) نام گذاری شده است. در داستانهای رزمی زبان دری کلمه (کاول) بکرات ذکر شده است و گویند که در زبان اوستائی (و) به (ب) مطرد است، بناءً امکان دارد که

---

۲- جغرافیای قدیم هند ص - ۴۷۱.

۳- مجله کابل شماره ۳ سال اول ص ۴۶.



(کاول) به (کابل) تغییر شکل یافته باشد. روایات فولکوروی نیز درین زمینه موجود است که کابل قدیمه بشکل جزیره خوردی در بین تالاب این حوزه قرار داشت، برای عبور از آب این تالاب پلی از گاه ساختند تا امکان عبور و مرور از آن فراهم گردد، از آن به بعد (گاه پل) یا (کاپل) به (کابل) تغییر یافته است. این واقعیت را هم نباید فراموش کرد که کابل موجوده در موقعیت قبلی ژئولوژیکی متشکل از حوزه بسته بود. ۴ که آب و افراد آن وجود داشت و بعداً آب آن در مسیر ماهی پر مجرای خود را کشود و این تالاب بزرگ به شکل امروزی خود ساحه موجوده کابل را به بار آورد.

### عامل توپوگرافی:

در سر زمین های بلند و تپه های مرتفع اغلباً یونانی های قدیم جصارها و دژهای بزرگی را اعمار میکردند. شهر آتن بالای هفت تپه بنا نهاده شده بود که باصطلاح اکرو پولیس Acropolis یاد می شد، حصار اولی کابل را همین بالا حصار کابل تشکیل میداد که از استحکامات و تأسیسات مقاومی متشکل بود.

بهر ترتیبیکه باشد کابل در قرن اول اسلامی شهری بود که قلعت محکم داشت و آنرا (گرزندین) گفتند و رسیدن به این حصار منیع کاری بود بس دشوار، و تا سال ۲۹۰ میلادی بنا

بر ساختمان توپوگرافیکی، موجودیت نقاط حاکم و ترصد از نقاط مرتفع آن کسی به این قلعه مسلط شده نتوانسته بود، حصار منیع کابل به استواری شهرت کامل داشت و به قول اصطخری فقط يك راه داشت و در بین آن مسلمانان اقامت داشتند، در حالیکه هندو ان و یهودیان در ربض بیرون شهر میزیستند و کهندز حصین و دژ عجیبی داشت. ه خرابه های قلعه هندو در جنوب شاه شهید امروزه گواه مشهور از زمان هندو ان انوقت است.

از جانب دیگر موجودیت کوه شیر دروازه، کول سمت جنوبی بالاحصار، تپه زمرد بالاحصار، موجودیت جرهای عمیق در اطراف بالاحصار ماهیت توپوگرافی این ساحه را به حیث نقطه حاکم و مسلط در شهر کابل قدیمه قراد داده بود.

### نقش مذهبی و ستراتیژیکی:

در سال ۲۸ - ۳۲ ه ق، مسلمین تحت قیادت عبدالرحمن بن سمره از راه غزنه به کابل حمله کرد، بعداً عبیدالله بن ابی بکر صدیق به کابل لشکر کشید، سپس عبدالرحمن بن اشعب یکابل حمله آورد، درین جنگ رتبیل شاهان دیوار مستحکمى در دور ادور شهر بنا کردند، اما در معبرد همزنگ مسلمانان رخنه کرده سوراخی حفر کردند و در نتیجه شهر را تسخیر کردند.

---

۵- احسن التقاسیم ص ۳۰۴.

درین جنگ عبدالرحمن به دو شمشیر می جنگید، اما سر انجام از پا در افتاد و در همانجا دفن شد. زیارت شاه دو شمشیره یادگار از وی است. متعاقب در مجاورت زیارت مسجد بنام شاه دو شمشیره اعمار شد، بعداً این مسجد توسط نصرالدین همایون بابر مجدداً ترمیم گردید، اما شاه امان الله خان غازی به اعمار و ترمیم بهتر آن صرف مساعی ورزید و آنرا به شیوه مرغوب در آورد. این مسجد نخستین مسجد اسلامی است که در کابل توسط اعراب اعمار شده است. بعد از ورود اعراب و پخش دین اسلام در کابل مراکز متبرک مذهبی و مساجد متعددی اعمار شد. زیارت شاه دو شمشیره، جابر انصار، تمیم انصار، عاشقان و عارفان، و شهدای صالحین و غیره عامل مذهبی را در انکشاف شهر کابل به بار آورد. بعداً در هر گذر و محله شهر مساجد خورد و بزرگی اعمار گردید از انجمله مسجد عیدگاه و مسجد پل خستی که بعد از مسجد شاه دو شمشیره قدامت تاریخی بیشتر دارند. از دیدگاه مذهب بودیزم معابد چند نیز در شهر کابل موجود بود. در بالاحصار کابل قبل از تعمیر حصار آن در بالای تپه زمرد معبد خورد بودایی وجود داشت. در شیوکی، دامان شاخ برنتی، بالای تپه مرنجان، تپه سلام، کوتل خیرخانه یک تعداد زیارتگاه های بودایی وجود داشت، مؤلف حدود العالم چنین مینوسید:

"کابل شهرکیست و او را حصاریست محکم و معروف باستواری و اندر وی مسلمانانند و هندوان اند و اندر وی

بتخانه هاست و رای قنوج را ملك تمام نگرده تا زیارت این بت خانه نکنند و لوای ملکش اینجا بندند."

این مسایل ارزش نقش مذهبی کابل را آشکار می سازد. از سال ۲۵۷ هـ به بعد یعقوب لیث صفاری در کابل مسلط شد، بعداً سلاله دیگر هندی بنام (کالاله) حکومت جدیدی را در کابل بوجود آورد و تا عصر سبکتگین نفوذ کلتوری هند بر کابل بیشتر گردید، بتخانه های هندی از دیاد یافت و الی عصر سبکتگین این وضع ادامه یافت.

### نقش دفاعی و سیاسی:

شریف ادریسی در سنه ۵۴۹ هـ ق، (۱۱۵۴ م) اینطور تذکر داده "که کابل شهر بزرگ و دارای ابنیه نیکوست، حصار کابل به حصانت و استواری مشهور است و یک راه صعود دارد." نوشته جغرافیه نگاران عرب در باره کابل ناچیز است، اما بابر در تزک خود ارگ و حصار و دیگر محلات آنرا بدرستی شرح داده و از یادداشت های او بر می آید که دیوارها و حصار کابل همواره مورد استفاده مدافعان بوده است. این مطالب در همایون نامه، اکبرنامه و تزک جهان گیری بوضاحت تذکر داده شده است. کوهی که ارگ بالاحصار بر آن بنیافته آنرا (شاه کابل) می گفتند، بالای آن عقابین بود و شهر کابل دو قلعه گلی داشت و ارگ بالاحصار متشکل از قلعه جداگانه

بود.

قلعه این شهر را میرزا کامران پسر بابر ترمیم کرد، اما وقتیکه جهانگیر بکابل آمد (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ هـ ق) عمارات سابقه را تخریب کرد و محل علیحده برای خود ساخت و قلعه ارگ که از مواد خام بود به امر شاه جهان در سال (۱۰۵۴ هـ ق) از گچ و آهک ساخته شد.

قلعه (حصار) کابل دارای دروازه های متعدد بود، دروازه دهلی طرف شرق که بعداً به دروازه لاهوری مبدل گردید، دروازه یارک یا (بارک)، دروازه طاقیه دوزان و دروازه آهنین طرف غرب موقعیت داشت. شاه جهان در سال (۱۰۵۶ هـ، ق) دوازده لک روپیه را به تعمیرات کابل مصرف کرد، قلعه دور شهر را ترمیم نمود و برای بالاحصار آب مورد نیاز را تهیه کرد.

دیوارهای بالاحصار مقابل مهاجمین وسیله بغایت مفید و سپر آهنین در برابر دشمن تلقی می شد، در سال (۱۰۳۷ هـ ق) ندا محمد خان از طرف بی بی مهر و بر بالاحصار هجوم آورد قوای مدافع از شهر به مردانگی دفاع کرد و بعد از سه ماه دشمن را شکست فاحش داد، احسن الله ظفر خان شاعر چیره دست درین شهر حکمرانی داشت، میرزا صائب شاعر مشهور درع به کابل آمد و در باره بالاحصار و دیوارهای آن اینطور مدح کرده است:

حصار مارپیچش ازدهای گنج را ماند  
 که می ارزد به گنج شایگان هر خشت دیوارش  
 دیوار و حصار کابل که مرکز آن ارگ بالا حصار بود تا  
 آخر حکمرانی آل بابر (ناصرخان) بهمان ترتیب باقی ماند، تا  
 آنکه قوای نادر شاه افشار در سال (۱۱۵۱ هـ ق) شهر کابل را  
 در اختیار خود آورد و قتیکه احمد شاه بابا در سال (۱۱۶۰ هـ ق)  
 در قندهار بر تحت سلطنت نشست کابل نیز از جمله قلمرو او  
 بود. سردار جهانخان پوپلزائی را سپه سالار و حکمران کابل  
 تعیین کرد. او دید که دیوارهای کابل در اثر حوادث ناگوار  
 آسیب دیده در سال (۱۱۶۶ هـ ق) امرا حداثت یک دیوار بزرگ  
 دیگری را به دورا دور شهر کابل داد، که در ظرف پنج ماه  
 تکمیل گردید. به قول حافظ نور محمد یک ضلع دیوار در حد  
 ماشین خانه اندرابی قرار داشت و تا آخر گلستان سرای  
 میرسید. ضلع دیگر در حصه سلامخانه خاص و بالای زیارت  
 بابه کیدانی عبور میکرد و تا دروازه لاهوری میرسید، قسمت  
 دیگر با پیچ و تاب بالای چند اول آمده و در حدود ماشین خانه  
 تمام میگردید، و دارای دروازه های آتی بود:

۱. دروازه قندهاری واقع دهمزننگ.
  ۲. دروازه سپید در حصه سلامخانه خاص.
  ۳. دروازه سردار جهانخان در حصه زیارت بابه کیدانی.
  ۴. دروازه پیت در حصه داشهای عقب مسجد عیدگاه.
- علاوه بران دروازه های مثل دروازه خافی ها، دروازه  
 شاه سمندها، کبری ها، کرتها و شیرازیها نیز در نقاط مختلف

دیوار شهر وجود داشت، این دیوار دارای یازده مهره بود که یک قسمت آن در سال (۱۳۱۰ هـ ش) در اندرابی و حصه دیگر در مندوی خربوزه فروشی بملاحظه میرسید. <sup>۸</sup> میرزا هادی خان سر منشی دربار تیمور شاهی قطعه زیبایی در باره بالاحصار کابل گفته است که حصه آنرا درینجا ذکر میکنیم:

شهر بندی کرد بنیاد آن امیر  
کویسر برداشت چرخ زرنگار  
گرچه دور از کار بودی کاین بنا  
سال چار و پنج گردد استوار  
لیک ز اقبال شه والا نسب  
دیگر از سعی امیر بختیار  
ماه پنجم این اساس با شکوه  
شد تمام از التفات چار یار  
با علو و شان حصاری شد بلند  
کافگند چرخ برین از اعتبار  
بسکه دارد شان و شوکت هم علو  
خانه زادش چرخ اطلس در شمار  
از (جهان) ز دسر چو این عالی اساس  
(عشرت) از کابل زمین شد آشکار  
سال تاریخش چو جستم از خرد  
شد معینم لطف او از سرکار  
درفشان شد از سر اعزاز گفت  
"همسری دارد بگردون این حصار"  
(۱۱۶۶ هـ)

---

۸ :- مجله کابل شماره ۳ ص ۵۷ سال ۱۳۱۰ ش

در جریان حکومت سدوزائی و محمد زائی بالاحصار به تحولات و رویدادهای پرماجرایی رو برو گردید و با آمدن انگلیسها در خاک افغانستان در جنگ اول افغان و انگلیس (۱۸۴۰م) و جنگ دوم (۱۸۸۰م) از بالاحصار کابل انگلیسها یادداشتها و عکس براداریهای زیادی کردند.

جیمز اتکن سن James Atkenson انگلیس سیمای بالاحصار کابل را در سال ۱۸۴۰م اینطور شرح کرده است:

بالاحصار تقریباً به وسعت یک برچارم حصه تمام شهر کابل است، دیوار اطراف آن برجهای متعدد دارد، اکنون دو دروازه آن کشوده است، که عبارتند از دروازه غربی و دروازه شرقی. دروازه شرقی را دروازه پشاور می نامند، و هر دو دروازه در هنگام شب مسدود و قفل میشود. در اطراف بالا حصار خندق خشکی حفر شده که براهمیت دفاعی و ستراتیژیکی آن می افزاید و در جنوب غربی آن برآمدگی کوه شیر دروازه است، یک حصه بلند تر تپه بالاحصار که بالای سر مخروطی کوه واقع شده قبلاً زندان حکومتی بود و سیاه چاه های مرگبار در آن حفر شده بود. از انجا تمام کابل دیده می شد و دیوار علیحده بطرف جنوب غربی دارد در سال ۱۸۴۰م راه در آمد بود، دیوار و برجهای آن تماماً ویران شده اما قبلاً جای مستحکمی بود، در بین دیوارهای بالاحصار و کوهسار به اندازه دو میل باطلاق وجود دارد، اما امیر دوست محمد خان در استحکام این ساحه خیلی توجه نموده بود.



## سه بناه مهم در بالاحصار:

این سه بناه ذیل در سال ۱۸۴۰م قابل توجه بود:

۱- اقامت گاه شاهی که امیر دوست محمد خان انرا در سال ۱۸۳۵م اعمار کرده بود و در سال ۱۸۴۰م سفیر برطانیه در ان اقامت داشت، درین بنا کاشی کاری و نقاشی های مقبول و مرغوب بکار رفته بود.

۲- خرابه مسجد شاهی که در عصر عالمگیر ساخته شده بود.

۳- حرمسرای شاهی که در سال ۱۸۴۰م شاه شجاع در آنجا اقامت داشت.

این بناها خیلی مجلل، زیبا و با عظمت بود، متأسفانه در خانه جنگی های آخر بکلی خراب و منهدم شدند. این سه بناه فوق در داخل بالاحصار به فاصله صد گز یکی از دیگر فاصله داشتند، بامهای مسطح و گلی بود، که در مقابل برفباری ها و بارندگی اقلیم کابل مقاومت نداشتند. حصه علیای بالاحصار در حدود  $۴۱۶ \times ۲۳۰$  قدم بود و حصه سفلی آن به وسعت  $(۱۰۰ \times ۵۰)$  قدم می آمد که در ان دوکانهای متعدد موجود بود.

دربارخانه: در پائین بالاحصار متصل مسکن سفیر برطانیه چهار دیواری است که دربارخانه و حرمسرای در ان واقع است، و قسمت علیای دروازه بالاحصار مخصوص برای دسته موزیک شاهی است که جزء مهم تشریفات سلطنتی محسوب میگردد. هر گاه ازین دروازه برون شویم راهی به وسعت ده،

دوازده فت به بازار باغ علیمردان منتهی میشود. به این اساس با وصف آنکه بالاحصار کابل ارزش دفاعی مخصوصی دارد، مانند اکروپولیس های یونان قدیم دارای ساختمانهای بزرگ و عمرانات اساسی میباشد که از مرکز سیاسی و ادارے يك کشور به حیث پایتخت و هسته مرکزی شهر در آن زمان نمایندگی میکرد.

بابه میان آمدن اسلحه ناریه اهمیت دفاعی بالاحصار تا حدودی پائین آمد، اما تا قرن نزده مقر سلطنتی افغانها و شاهان سدوزائی و محمدزائی بود. در جریان جنگ اول (۱۸۳۹م) و دوم (۱۸۸۰م) افغان و انگلیس این هسته بزرگ تاریخی و سیاسی بارها مورد حمله، تطاول و لشکر کشی های اجنبی قرار گرفت و در سال (۱۸۷۹م) با قتل کیوناری قیام ملی و بلوای مردم کابل بالاحصار کابل طعمه حریق گردید، سپاه انگلیس در نقاط مختلف شهر کابل و چاردهی با انگلیسها در پیکار شدند، اما شکست انگلیس در دشت قلعه قاضی و متعاقب در شیرپور سبب شد که انگلیسها خاک افغانستان را ترك کنند و در پایان این جنگ امیر عبدالرحمن به تخت کابل نشست، اما از استقلال کامل برخوردار نبود.

در زمان عبدالرحمن خان مقر سلطنت از بالاحصار به ارگ موجوده انتقال داده شد (۱۸۸۴م). تا اینوقت بالاحصار کابل ارزش دفاعی، سیاسی و ستراتیژیکی خود را حفظ کرد، اما با اعمار ارگ جدید در موقعیت موجوده اش کابل راه رشد و انکشاف خود را نیز پیمود.

## نقش اقتصادی و تجارتي در تشکل کابل:

کابل به حیث مرکز تجارتي در تقاطع راه های بزرگ تجارتي و بازرگانی شمال، جنوب و شاهراه شرق و غرب قرار داشت. H.H. Wilson اچ اچ ویلسن در کتاب معروف آریانا انتیقا Ariana Antica مینویسد:

اورتسهپانم را سه راه بزرگ ترافیك است. یکی آن را سآ از غرب، دیگر از شرق و سوئی از جنوب آمده در (اورتسهپانم) با هم تلاقی مینماید. اما سترابن می نگارد که سرك های مذکور سه نی بلکه چارراهی بزرگ تجارتي است که بطرف باکتیریا، اراکوزی و هند منشعب میشوند. این راه ها از شاهراه های بزرگ تجارتي آسیا محسوب می شد، اما باکشف ماشین بخار و فعالیت های کشتیرانی در ابچار، اهمیت قبلی خود را از دست داد. این شاهراه ها مراکز تجارتي مدنیت باختر و آسیای مرکزی را به سندو پنجاب، هندو جهان عرب و فارس قدیم برقرار میساخت. زایرین هند بطور متمادی بکابل می آمدند و تجار ترکستان از کابل به هند و دیگر مراکز بازرگانی از همین شاهراه ها می گذشتند.

در ترك بابری اینطور تذکر داده شده است: "درمیان هندوستان و خراسان براه خشکی دو بندر است: یکی کابل و یکی قندهار، از فرغانه و ترکستان و سمرقند و بخارا، بلخ و حصار و بدخشان کاروان بکابل می آید، درمیان خراسان و هندوستان واسطه این ولایت است، بسیار سودا خانه خوب

است، سوداگران به روم وختاروند نهایت همین قدر سود میتوانند کرد، هر سال هفت هشت هزار اسپ به کابل می آید، از جانب هندوستان هم پانزده بیست هزارخانه وار کاروان بکابل می آیند... متاع خراسان، و عراق و روم و چین در کابل یافت میشود، باین اساس ماهیت تجارتی کابل در بین سائر محلات مجاور درخور اهمیت و یاد آوری میباشد.

### شبکه شهری کابل قدیم:

تا اینجا منشأ شکل شهر کابل قدیم را بطور فشرده مطالعه کردیم حال خصوصیات شبکه شهری قدیم آنرا از نظر میگذرانم. طوریکه به نقشه قدیمه شهر کابل دقت شود و بقایای آن که همین اکنون در چنداول، بارانه، شوربازار درخت شنگ و حصه از عاشقان و عارفان برجا استوار است، کابل قدیمه پلان نامنظم داشت. گذرها و محله ها دارای خانه های محاط با دیوارهای مرتفع گلی بود، مصالح تعمیراتی خیلی ابتدایی و خام در آن استفاده شده بود، جاده ها خورد، کم عرض، نامنظم و مارپیچ بود که تنها اشخاص پیاده و دوچرخه های ابتدائی در آن امکان رفت و آمد را داشت. کوچه های هر محله در اثنای شب با دروازه های بزرگ مسدود و قفل می شد و باین ترتیب امنیت شان تأمین می گردید و بیشتر شکل دفاعی داشت، در هر محله عشایر و افراد متجانس منسوب به یک قبیله و ملیت بود و باش داشت و بدور محور اتنوسنتریزم می چرخیدند که از اوصاف شهرهای قرون وسطائی نمایندگی

میکنند. رسم و رواجهای قبیلوی در هر محله و جود داشت، خانه های دریچه دار رو به شمال و رخ تعمیرات اغلباً با سمت تابش آفتاب می بود. خانم ها در چاردیوار خانه محصور و مستور بودند. موجودیت نقاره خانه، توأچی و روزبازار، و نخاس ممیزه دیگر باستانی بودن این شهر را ثابت میسازد. شبکه شهری متشکل از گذرها و محله های مختلف بود و آنهم به ترتیب ذیل:

#### ۱- گذر دیوان بیگی:

این گذر بنام سردار عبدالله خان فوفلزائی شهرت دارد، سردار عبدالله خان در وقت احمد شاه بابا عهده دیوان بیگی را داشت و در زمان تیمورشاه برتبه وکیل الدوله نایل آمد. گذر دیوان بیگی نزدیک شترخانه بود که آنهم تحت پروژه جدید شهری قرار دارد.

#### ۲- گذر سردارجان خان:

سردار جانخان فوفلزائی سپاه سالار زمان احمد شاه بابا است و این محله قبل از حکومت تیمورشاه در سال ۱۱۶۶ هـ ق در وسط شهر قدیمه اعمار اما قدری از بالاحصار دورتر واقع بود.

#### ۳- گذر قاضی:

این گذر عبارت از شوربازار موجوده است که بنام فیض الله خان قاضی القضاة زمان تیمورشاه احداث شده بود.

#### ۴- گذر مرادخان:

بنام سردار مراد خان که از متنفذین زمان احمد شاه و

تیمورشاه بود نام گذاری شده است، سردار مراد خان نیز فوفلزائی بوده و سه صد خانواده در اختیار خود داشت مراد خانی موجوده عبارت از همان گذر است.

#### ۵- گذر اچکزائی ها:

این گذر هم بنام عشیره و متنفذین اچکزائی های قندهار بنا نهاده شد و تاکنون بهمین نام شهرت دارد. علاوه برین گذرها و محله ها از محله های دیگر نیز میتوان نام گرفت مثلاً بارانه، چنداول، خیابان، قرتای چنداول، اندرابی، گذر علی مردان، قصاب کوچه، کوچه سکه بچه ها، درخت سنگ، تنورسازی، شترخانه، کوچه خرابات و امثال آن که قسماً این محلات با تطبیق پلان جدید شهری در حال انهدام می باشد و قسمت از آن محلات قدیمه بهمان حالت نادرست به شکل جزیره های خورد در اطراف جاده میوند و اندرابی هنوز هم وجود دارد.

#### چارچته کابل:

چارچته و چته از ممیزات شهر های قدیمه میباشد و بازار را باسقف می پوشانند، تا از بارندگی و تابش آفتاب مردم مصئون مانده بتوانند. چارچته کابل بطول ۶۰۰ فت و عرض هر کدام به سی فت میرسید، و از جمله بازار مهم تجارتي کابل قدیمه محسوب می شد که متصل به دروازه مسجد پل خستی بین کتابفروشی، آبده میوند و پل خستی موجوده موقعیت داشت. چارچته را علی مردان خان در قرن هفده میلادی آباد کرده بود و در اطراف آن چارده سرای جداگانه بغرض معاملات

تجارتی نیز اعمار شده بود. چارچته در سال ۱۸۴۲م يك بار مورد دستبرد جنرال پالك انگليس قرار گرفت اما زود تر التيام يافت. اين مركز مهم تجارتي در سال ۱۳۲۸ هـ ش به منظور عصري ساختن شهر كابل تحت پروژه عمراني شهر قرار گرفت و كاملاً تخریب شد.

رسته:

در كابل قديمه رسته های مختلف از نگاه فعاليت های تجارتي و توليد افزار به اساس حرفه های جداگانه نیز وجود داشت كه از مميزات شهر های قديمه بحساب می آيد، رسته بزازم، رسته آهنگری، رسته مسگری، رسته زرگری و امثال آن وجود داشت، كه هر کدام به حيث اتحاديه صنفی و توليدي مشاغل خود را بسر می بردند. حمام های مشخص و ابتدائی در هر محله نیز وجود داشت كه مهمترين آن حمام كاه فروشی و حمام كجاوه بود.

علاوه بران به غرض گشت و گذار و تفریح مردم باغهای سرسبز در كنج و كنار كابل موجود بود، مهمترين آنها عبارت بود از باغ شهر آرا، باغ جهان آرا، باغ نواب، باغ لطيف، باغ عمومي، باغ قاضي، باغ علم گنج، چارباغ، باغ جلوخانه، اورته باغ، باغ صورت خانه، باغ مهتاب، و غيره كه اكثر آن در زمان بابر احداث شده بود، باغ بابر در دامان غربي كوه آسه مائی در زمان بابر سرسبز بود، جهانگیر باغ جهان آرا را اعمار كرد، و از باغ شهر آرا سخت به نيكوئی ياد کرده است: "در شهر كابل

بدان لطافت و خوبی باغی نیست. طراوت آن بدرجه است که با کفش پای بر صحن آن نهادن از طبع راست و سلیقه درست دور است." اما سیل حوادث بنام و طراوت آن اعتنائی نکرد و اکثر این محلات با ورود نادر افشار در معرض دست برد و خرابی روزگار مواجه گردید. با در نظر داشت توضیحات فوق کابل قدیمه مثل سایر شهرها و بلاد آسیا و جهان اوصاف قرون وسطائی را دارا بود، زیرا هسته مرکزی شهر در بالای تپه و بالاحصار مستحکم حیثیت يك دژ بزرگ دفاعی را داشت، شبکه شهر قدیمه نامنظم، و ساختمانها از گل و خامه و کوچه های مارپیچ و دروازه های دور شهر به شاهراه های تجارتی قدیمه پیوند داشت. بجز از مدارس دینی، مساجد، معابد و تکایا دیگر مرکز تعلیمی پیشرفته کمتر بملاحظه میرسید. شفاخانه ها وجود نداشت، صحت و دوام زندگی مردم در دست دانش ابتدائی و تجارب قدیمه و عنعنوی قرار داشت و بحریان روزگار دست و پا میزد. از همین لحاظ تعداد نفوس محدود بوده در محله هایکه قبلاً نام گرفتیم در يك رقبه نسبتاً خورد کابل آنوقت زندگی میکردند، و احتیاجات شان از اطراف و اکناف کابل به وفرت تهیه میگردید.



## توسعه شهر کابل بانهادهای معاصر آن

شهر کابل در جریان قرن نزده تحولات زیادی را نایل آمد، و رود تیمورشاه به کابل فصل مهمی را در انکشاف و توسعه آن از لحاظ عمرانات شهری و افزایش نفوس تشکیل میدهد. زمانشاه هم به نوبه خود توجه مزیدی در آبادی شهر کابل نشان داد، قصر چهلستون که به سمت شرقی بالاحصار اعمار شده بود از جمله بهترین آثار تاریخی عهد او محسوب می شد، اما متاسفانه در اثر خانه جنگی ها وسیل ناگوار حوادث این عمارت ویران و ازان اثری برجا نمانده است.

از سلسله محمد زائی امیر شیر علیخان در نوبت دوم سلطنت خود (۱۸۶۸ - ۱۸۷۸ م) متوجه اصلاحات داخلی شد و در عمرانات کابل توجه زیادی مبذول داشت. شیر پور از جمله بناهای مهم تاریخی است که در عصر او تکمیل گردید و ساحه شهری کابل را بیشتر بجانب شمال توسعه بخشید. در سال ۱۸۷۰ میلادی امیر شیر علیخان اساس شهر جدیدی را در کابل بنام شیر آباد، یا (شیر پور) بنا نهاد که در دامنه تپه های خواجه رواس و شمال غرب کابل موقعیت داشت، این شهر را امیر شیرعلیخان به اساس نقشه شهر احمد شاهی قندهار، اما

با پلان عصری تر طرح و دیزاین کرده بود، ناظر حسین علی خان که بعداً بنام سپه سالار شناخته شد و عهده وزارت حربیه را هم بدوش داشت مامور پیشبرد تعمیرات شهری تعیین شد، عمله زیادی برای اعمار این شهر استخدام گردید، مواد و مصالح فراوانی برای تکمیل آن جمع گردید و برای مدت پنجسال کامل کار این شهر را دنبال کردند. دو طرف دیوار احاطه شهر با برخی عمارات اساسی آن تکمیل شد، ولی از انجائیکه عمر سلطنت امیر شیر علیخان دوام و وفا نکرد، نتوانست نتیجه مساعی و ثمره کار خود را در کابل مشاهده نماید. بناءً این شهر به پایه تکمیل رسیده نتوانست. بر عکس در جریان جنگ دوم افغان و انگلیس و در موقع شورشهای ملی بر انگلیسها، این شهر سنگر دفاعی انگلیسها قرار گرفت و در نتیجه تهاجمات زعمای ملی و وطن دوست، انگلیسها از شیرپور بیرون رانده شدند و این شهر که تازه در حال رشد بود، ویران گردید و اخلاف امیر برای اعمار مجدد آن توجه نکردند. فعلاً به جز از دیوارها و بقایای ناچیز آن دیگر اثری از آن بجا نمانده است. اخیراً بنا بر پیشنهاد برخی از دانشمندان برای احیای زحمات تاریخی امیر شیر علی خان، حصه از الحاقیه شهرنو کابل که در مجاورت بنای شیرپور قرار دارد بنام شیرپور مسمی کردند، تا از شیرپور تاریخی زمان امیر شیرعلیخان یادی بعمل آمده باشد.<sup>۱</sup>

---

۱- تاریخ افغانستان در قرن نوزده ص ۱۸۸.

در جریان حکومت امیر عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱م) ارگت موجوده که فعلا هم مقر مرکز افغانستان است در سال ۱۸۸۴م اعمار شد، و همدیف به آن تعمیر باغ بالا نیز تکمیل گردید، در زمان سلطنت امیر حبیب الله (۱۹۰۱-۱۹۱۹م) در عمرانات شهری و تعمیر مکاتب نیز توجه بعمل آمد.

موقعیکه امیر امان الله خان به پادشاهی رسید (۱۹۱۹-۱۹۲۹) بعد از حصول استقلال به عمرانات شهر توجه خاصی مبذول داشت، در دارالامان موجوده که قبلا دهکده های چاردهی قرار داشت پلان شهر کابل جدید را روی دست گرفت، قصر دارالامان و تپه تاج بیگ با پلان شهری مفصل تحت ساختمان قرار گرفت و با سیستم عالی ساختمانی با نفاست و زیبایی قابل وصفی تکمیل شد، آب از چشمه چنغور در دامنه های کوه قوروغ و قلعه قاضی توسط جوی و کانال پخته کاری رهنمایی می شد، اما شهر جدیدی که در نظر بود به پایه تکمیل نرسید و اکثر ساختمانهای آن برای مدت بیش از پنجاه سال به شکل غیر قابل ترمیم قرار داده شد. جاده دارالامان با پلان خیلی عالی رویدست گرفته شد و برای اولین بار خط آهن در دارالامان تمدید یافت. اولین بار موتر به حیث پیش آهنگ تمدن عصر جدید به کابل در جاده دارالامان بحرکت افتاد و در بین کابل، تاق ظفر پغمان و قلعه قاضی در رفت آمد امان الله خان مورد استفاده قرار گرفت. طیاره به حیث نمونه عالی تمدن در آسمان کابل به پرواز در آمد و از ماشین سینما و مخابره بار اول استفاده بعمل آمد، و به این ترتیب شهر کابل شاهد

تخنيك معاصر جهان گرديد، اما با دسايس انگليس امان الله خان نتوانست پلانه‌هاى خود را تكميل نمايد. در جريان حكومت محمد نادر شاه و محمد ظاهر شاه كه تكنالوژى، اختراعات و دانش بشرى با سرعت سر سام آورى در جهان رو به انكشاف بود، ارتباطات سياسى و كلتورى با تعدادى از كشورهاي جهان فزونى گرفت، نهضت هاى علمى نياز به مكاتب، انستيتيوت ها و يونيورستى ها داشت، بناى دست آوردهاى تكنالوژى معاصر شهر كابل را در آستانه وسيع انكشافات شهرى از لحاظ ساختمان و از لحاظ سازمانهاى علمى و فرهنگى قرار داد.

تمدن معاصر كه بر ساينس و تكنالوژى اتكاء خاص دارد، بر موضوعات شهر سازى اثر مندى زيادى داشته با استفاده از برق، تخنيك، ترانسپورت و رسانه هاى جمعى ساختمان شهر به انجينران چيره دست نياز داشت كه در نتيجه ساختمانهاى شهر را به يك كامپلكس بزرگ علمى مبدل ساخت. مؤسسات عرفانى و مراكز كلتورى در تمام گوشه هاى شهر كابل عرض وجود كرد و نياز مردم را به ساينس و تكنالوژى بيشتر ساخت. با در نظر داشت اين مطالب ناگزينر در پلان توسعوى شهر كابل از نظريات دانشمندان، انجينيران و متخصصين استفاده بعمل آمد و بتاسى از ان شهر كابل معاصر راه رشد خود را سريعاً پيمود و توسعه شهرى رو به فزونى گذاشت.

## پلان سطح مستوی شهر کابل:

با در نظر داشت پلان بیست و پنج ساله شهر کابل تحولات عظیمی در شهر و ساختمان شهری آن نمودار گردید. شهر کابل از چار دیوار بلاحصار خارج شد و شبکه شهر بطور شطرنجی منظم و قسماً نامنظم در امتداد دریای کابل و دامان کوه ها و تپه های مجاور هسته گذاری شد.

در سال (۱۳۵۰ هـ ش) پروژه شیرشاه مینه، در سال (۱۳۲۷ هـ ش) میرویس میدان، در سال ۱۳۳۷ کارته سه، در سال ۱۳۵۰ خوشحال مینه، در سال ۱۳۱۴ شهاب الدین میدان (شهر نو)، در سال ۱۳۳۱ سید نور محمد شاه مینه و در سال ۱۳۵۱ هـ ش پروژه خیرخانه رویدست گرفته شد، و به این ترتیب سیر انکشافی خود را پیمود. در سال ۱۳۲۸ هـ ش چارچته کابل تخریب شد، جاده میوند و سپاهی گمنام. پارک ها، سینماها، شفاخانه ها و مکاتب و ادارات دولتی جزء پلان شهری گردید. شبکه شهری در امتداد دریای کابل، در امتداد نشیب های دامان آسه مائی، و علی آباد، بی بی مهر و تپه مرنجان و کلوله پشته تحت اعمار قرار گرفت.

شهر کابل به اساس تیوری چندین هسته ئی Multiple Nuclei توسعه یافته و به اجزاء مختلف تقسیم گردیده است که هر جزء شهر نظر به توپوگرافی محل و شریان بزرگ ترافیکی و دریای کابل بخشهای علیحده را تشکیل میدهد و آنهم به ترتیب ذیل:

۱- شهر قدیمه کابل بدامان بلاحصار، اطراف جاده

میوند، اندرابی و بالاکوه ده افغانان که شامل ده افغانان، خیابان، مراد خانی، سرچوک، شور بازار و چنداول میباشد که قسماً تحت پروژه شهری قرار دارد خاصتاً جاده میوند، سرک نادر پشتون، سرک آسه مائی وات، ساحه پل باغ عمومی هسته معاملات تجارتی را تشکیل میدهد، شبکه شهر تابع جریان دریای کابل، جاده های بزرگ و دامن شیر دروازه و کوه آسه مائی میباشد.

۲- در سمت شرق: سید نور محمد شاه مینه، کارته نو و منطقه جشن بدو جانب شاهراه بزرگ ترافیکی زمان قدیمه که از کوتل لته بند می گذشت و دامنه تپه مرنجان توسعه یافته و درامتداد شاهراه ترافیکی فعلی کابل جلال آباد پارک صناعتی کابل و اکثر تأسیسات عمرانی بنظر میرسد، تعمیرات بلند منزل مکروریان ها هم در شرق کابل، شمال و شمال شرق احداث شده و در نقاط هموار خط السیر دریا و شاهراه ترافیکی بر سطح مستوی شهر آن موثریت کامل دارد.

۳- در سمت شمال: پروژه خیرخانه، پروژه خانه سازی و تهیه مسکن و میدان هوایی انکشاف قابل ملاحظه کرده که در قاعده ان شهر نو، قلعه فتح الله، تایمنی، کارته پروان و شهر آراء وجود داشته تپه ها و راه صفحات شمال و سالنگ وات سطح مستوی آنرا تحت تاثیر می آورد.

۴- در سمت غرب: پروژه خوشحال مینه، کارته مامورین، تعمیرات بلند منزل پروژه قرغه الی دوراهه پغمان

وسعت داشته، مهتاب قلعه، و حصه از میرویس میدان جزء هسته شهری این بخش قرار میگیرد که مرکز میرویس میدان بزرگترین مارکیت تجارتي آنرا تشکیل میدهد، سرک کابل قندهار و سرک کابل پغمان و کابل قرغه در تنظیم شبکه شهری اینجا رول بارز دارد.

۵- در سمت جنوب شبکه شهری دارالامان، کارته سه و جنگلک وجود داشته که سطح مستوی شهر درینجا تابع راه بزرگ ترافیکی کابل دارالامان، و دریای لندر و دامنه های کوه میباشد. در قاعده این اجزاء شهری کارته چاریا شیرشاه مینه وجود داشته و مارکیت بزرگ تجارتي آنرا دهمزنگ تشکیل میدهد.

در هر يك ازین اجزاء شهری مارکیت ها، جاده های بزرگ، مراکز عرفانی و تعلیمی، اداری و صحی، پارک ها مراکز ترانسپورت شهری جدا جدا در نظر گرفته شده است. ولی این نوع انکشافات در سطح افقی بیشتر عملی گردیده است. تا در جهت عمودی آن. خانه ها اغلباً پخته کاری و با طرح معاصر دیزاین و اعمار شده است. تعمیرات بلند منزل در مرکز شهر الی چارده طبقه میرسد. و مکروریانها دارای چار الی پنج طبقه میباشد، تماماً با عصری ترین و سایل عمرانی مجهز میباشد. در مرکز شهر راه های پیاده رو زیر زمینی عصری مجهز با مارکیت و محل خرید و فروش در حصه پلازا هتل و پارک زرنگار اعمار و محل استفاده قرار دارد، و با این وضع سیمای شهر از وضع قدیمه اش به شکل شهرهای معاصر عرض

اندام کرده است.

شبکه شهری در مجموع به یازده ناحیه شهری تقسیم گردیده که هر کدام آنرا نواحی شهری تشکیل میدهد.

ناحیه اول: شامل شبکه شهر قدیمه کابل که جاده بزرگ معاصر آن را جاده میوند تشکیل میدهد.

ناحیه دوم: شامل ده افغانان و نواحی مجاور آن

ناحیه چارم: شامل کارته پروان، شهر آرا و کلوله پشته.

ناحیه پنجم: شامل خوشال مینه، افشار، پولی تخنیک و

نیازبیگ

ناحیه ششم: شامل دارالامان، دشت برچی، قلعه شاده،

باغبانان.

ناحیه هفتم: شامل جنگلک، وایصل آباد، و تخنیکم

جنگلک.

ناحیه هشتم: شامل کارته نو، رحمن مینه و سید نور

محمد شاه مینه الی بگرامی.

ناحیه نهم: شامل عمرانان مجاور بی بی مهر و میدان

هوائی کابل.

ناحیه دهم: شامل قلعه فتح الله، تایمنی و تعمیرات

مجاور آن.

ناحیه یازدهم: شامل خیرخانه (در سه قسمت) حصه اول،

حصه دوم، حصه سوم.

امور صنعتی: توام با انکشاف تکنالوژی صنایع محلی



و حرفه های شخصی تدریجاً با صنایع انکشاف یافته عوض گردید، و در نقاط مختلف شهر جا بجا گردید، بطور مثال دستگاه صنعتی جنگلک، فابریکه حجاری و نجاری، پارک صنعتی پلچرخ، دستگاه سیلوی مرکزی، فابریکه های نساجی، گوگردسازی، چینی سازی، صنایع مشروبات غیر الکھولی، صنایع بوت سازی، پلاستیک سازی، قالین بافی و غیره که تفسیر آن درین مختصر نمی گنجد، اما این نوع صنایع توانست که شیوه های پارینه قرون وسطایی را به شیوه تولید معاصر مبدل سازد.

امور تجارتي:

مرکز تجارتي (CBD) که میتوان آنرا به اصطلاح Down Town هم یاد کرد، بین پل خشتی، پل باغ عمومی، جاده میوند الی سینما پامیر و سینما آریانا و شاروالی کابل بطور متراکم احراز موقعیت کرده، کلیه تولیدات و فروشگاه های بزرگ درینجا واقع شده، بزرگترین مرکز داد و ستد تجارتي را تشکیل میدهد. در کابل امور تجارتي به اساس نورمهای واردات و صادرات جنس، تجارت بارتري و تادیات محصولات گمرکی تحت تعامل بین المللی استوار گردیده که نیاز به تفسیر مزید دارد.

مؤسسات خدمات اجتماعی در شهر:

در جمله خدمات اجتماعی مؤسسات بغرض تأمین مواد

اولیه، انرژی و برق بغرض تسخین و تنویر امور صناعتی و ترانسپورتی، سرویسهای شهری، ترولی بس و مؤسسات عرفانی و فرهنگی انکشاف قابل ملاحظه کرده است، مراکز علمی، مکاتب، و لیسه ها، انستیتوت های طبی و تخنیکی، پوهنتون، مؤسسات امنیتی و تجارتی، نشراتی، تبلیغاتی و رسانه های جمعی از نشرات کتبی الی رادیو و تلویزیون در مرکز کابل بوجود آمد. تفریحگاه و پارک های وسیعی احداث گردید، در هر یک از اجزاء و شبکه های شهری ترانسپورت برای همشهریان فراهم گردیده و بهتر خواهد بود که متناسب به تعداد نفوس کلیه احتیاجات عامه و مؤسسات خدماتی بوجود آید تا هر جزء شهر بتواند نیاز مردم را مرفوع سازد و بدیگر ناحیه شهری احساس احتیاج نتواند. بجز از مؤسسات بزرگ که نقش اولی را در سازمان دهی اجتماعی، خدماتی و تجارتی دارد، دیگر مؤسسات خورد خدماتی تا حد امکان در تمام اجزاء شهری بوجود آمد و یا در حال بوجود آمدن میباشد. همه موقعیت این مؤسسات و مراکز خدماتی باید در یکنقشه رهنمای شهری گنجانیده شود تا تمام همشهریان به آسانی به آن دسترسی یافته بتوانند.

### نفوس شهر کابل:

بنا بر وسعت و انکشاف پلان شبکه شهری نفوس شهر کابل افزایش قابل ملاحظه یافته است، پلان پیش بینی شده نفوس شهر کابل در سالهای ۱۳۴۳، ۱۳۵۱ و ۱۳۶۶ ه. ش

به ترتیب ذیل در نظر گرفته شده بود.

۱. نفوس شهر به اساس ماستر پلان شهری در سال ۱۳۴۳ به تعداد ۳۸۰ هزار نفر پیش بینی شده بود.

۲. نفوس شهر به اساس ماستر پلان شهری در سال ۱۳۵۱ به تعداد ۵۶۰ هزار نفر پیش بینی شده بود.

۳. نفوس شهر به اساس ماستر پلان شهری در سال ۱۳۶۶ به تعداد ۸۰۰ هزار نفر پیش بینی شده بود.

اما تغییراتی که بعداً در ماستر پلان شهری در نظر گرفته شد، توسعه شهر را به مقیاس وسیع تر آن الی خیرخانه و بگرامی و دوراھه پغمان در نظر گرفتند، نفوس شهری را در سال ۱۳۶۶ هـ، ش به تعداد (۱,۱۴۰,۰۰۰) نفر بیش بینی کرده بودند. اما در سرشماری ماه قوس ۱۳۶۵ به تعداد ۱,۸۰۰,۰۰۰ نفر وا نمود گردید، که نظر به احصائیه پیش بینی شده در حدود (۷۰۰,۰۰۰) نفر در ماه قوس ۱۳۶۵ نظر به نورم و تناسب رقبه شهری اضافه تر به نظر رسید، که این رقم در سال ۱۳۶۶ واضحاً رقم بیشتر را وانمود میسازد. این افزایش سریع بدون شك بالای تهیه مسکن، مواد ارتزاقی، قیمت مواد، کمبود انرژی، برق، حتی تراکم فعالیت های ترانسپورتی و سایر خدمات اجتماعی اثر نادرستی از خود بجا میگذارد.

علاوه بر آن در اطراف کابل خاصاً در محل ورودی شهر محورهای مهاجرت از اطراف و ولایات کشور باعث افزایش نفوس گردیده که خصوصیات کلتوری و محیطی همان

سمت را تمثیل میکند، بطور مثال در شمال شهر کابل بیشتر از صفحات شمال کشور و در سمت شرق کابل از ولایات شرقی، در سمت جنوب از صفحات جنوب و در سمت غرب شهر کابل تعداد کثیر نفوس از ولایات غربی کشور بمشاهده میرسند، که این محورها به مرور زمان در دیگر نقاط شهر جا بجا شده و مسئله آمیزش اجتماعی را در سایر نقاط شهر مساعد میسازد.

در اثر افزایش جمعیت در شهر کابل پیوندهای قبیلوی تا حدی به پیوند های اجتماعی و شهری مبدل میگردد، نوع ارتباطات در بین فامیلها از شیوه قدیمه به حیات اجتماعی معاصر ارتقا جسته، اشخاص بیشتر به محیط کار، حرفه و مشاغل خود پیوندهای اجتماعی خود را مرتبط میدانند تا باریشه های قبیلوی و عنعنوی شان.

## اجزای شهری کابل قدیمه:

۱- ده افغانان:

جوی شیر، نخاس، شاه دو شمشیره، کوچه انداربی، اندرابی، سرای گادی خانه، سرای روغن، حوض مرغابی ها، سرای قالین، کوچه سکه بچه ها، سید جعفر، سر آسیاب، بالا کوه، قول آبچکان.

۲- خیابان:

کوچه خیابان، کشمش فروشی، سرای عبدالرحمن خان، نغاره خانه.

۳- مراد خانی:

زیارت حضرت عباس، پل يك پیسه گی، موجی برك،  
کوچه مرده شوی.

۴- سر چوك:

چار چته، كهنه فروشی، پایان چوك، ريكاخانه،  
كتابفروشی، سراجی، كاه فروشی، بوریا فروشی، سرای  
محمد قومی، باغ علی مردان، كوچه علی مردان، سرای شعبه،  
خوابگاه، پل مستان، شانه سازی.

۵- شور بازار:

بالاحصار، صدر بازار، دروازه لاهوری، تخته پل، هند  
و گذر، پیزار دوزی، كوچه چقرك، آهنگری، تنور سازی،  
بارانه، شتر خانه، انار فروشی، بازار ركاه خانه، بازار سراجی،  
كوچه علی رضا خان، بابای خودی، باغ نواب، خرابات، درخت  
شنگ، كوچه داکتر قاسم، حمام كجاوه، حمام شتر خانه، محله  
سپورت سوار، چوب فروشی، جنده غازی خان، جنده سردار  
جان خان.

۶- چنداول:

باغ جهان آرا، سر کاریز بالا جوی، قلعه هزاره ها،  
قرتا، کله خورها، سه دکان، باغ قاضی، پخته فروشی، باغ  
نواب، سر گندنا.

پرا بله های آنوقت:

توام با توسعه روز افزون شهر کابل پرا بلهها و نواقصی

هم پدید آمده که در زمینه مختصراً به آن اشاره می‌کنم:

۱. مرکز شهر که مرکز معاملات بزرگ تجارتي (CBD) میباشد. از لحاظ طرز استفاده شهری با مشکلات زیادی مواجه بود، زیرا محلات تجارتي، اداری و محیط زیست شخصی تقریباً بهم آمیخته بود، دوران ترافیک به عطالت مواجه بود، ساحه رفت و آمد در معاملات یومیه تا حدی محدود و ضیق ساخته شده بود، بهتر خواهد بود که درین ساحه وسعت جاده ها و دوران ترافیک در نظر گرفته شود و تنها معاملات تجارتي درینحصبه متمرکز گردد. موجودیت عمارات شخصی درینجا مغایر نورمهای شهری است، از سینما پامیر الی جاده میوند و به دو استقامت دریای کابل الی پل خستی سینما آریانا و ساحه پلازا محلات زیست به منظور خانه های نشمین اوصاف هسته شهری را برهم میزند، چهل فیصد رقبه شهری درینجا باید ساحه گشت و گذار و دوران ترافیک باشد، تا مردم به فراغت در معاملات خرید و فروش یومیه سهم گرفته بتوانند.

موازی به جاده میوند در امداد سرك مندوی، باید سرك عربض و معاصر اعمار گردد، و به همین ترتیب از شمال به جنوب در فاصله های دو متری سرك های الحاقیه با سرك مجاور دریای کابل به استقامت فروشگاه، پلازا و پل باغ عمومی و آسه مایی وات اعمار گردد.

۲. نبودن سیستم کالیزیشن و عدم توجه درینمورد بر

پرابلمهای صحی و خرابی تنظیفات شهر می افزاید، این نقصیه بر آب های تحت الارضی اثر ناگوار داشته، در آلودگی آب، هوا و شیوع امراض رول مهم دارد.

مجرای آبرفت در کنار سرك ها و بطور صحی تحت ساختمان نیامده و یا کاملاً مسدود میباشد، که در وقت بارندگی اکثراً جاده ها به تالاب مبدل میگردد. تمدید بعدی کبیل ها در شهر باز هم باعث خرابی وضع عمومی ساختمان شهری می گردد و از نگاه ترانسپورت و مصارف ترمیم بر بودجه دولت زیان آور است.

۳. سیستم دوران ترافیک شهری در اکثر حصص شهر با انقطاع ترافیکی مواجه است، مثلاً آمدن از کارته پروان به شفاخانه علی آباد و پوهنتون و یا به کارته سه که مشکلات زیادی درین بخش وجود دارد، و یا آمدن شخصی از پولی تخنیک به مرکز میرویس میدان که دو استپشن علیحده شهری را احتوا می کند. و وقت زیادی را دربر میگیرد. بهتر خواهد بود که سرویس های برقی به شکل دورانی تنظیم گردد تا به شکل ناحیوی و دو مرحله یی.

۴. بنا بر نبودن کمر بند سبز و عدم اشجار کافی در کنار جاده ها خشکی اقلیم بیشتر محوسس بوده و باعث آلودگی هوا و گرد و خاک در نقاط مختلف شهر می گردد.

۵. نمره بندی کوچه ها، و جاده ها، مطابق به نورمهای شهرهای معاصر در نظر گرفته نشده، جاده ها باید شرقاً - غرباً و شمال - جنوب به سیستم حروف و ارقام کواردنیت های محلی

همان حصه شهر را تمثيل نمايد در هر انجام و تقاطع جاده های خورد و برزگ شکل نمره بندی كوچه ها و خانه ها بايد در روى لوحه های فلزى بحروف درشت نوشته شود، تا از لحاظ ترافيكي و پوستى تثبيت محلات بدرستى صورت گرفته بتواند.

۶. اعمار كودكستانها، ماركيت ها و موسسات اجتماعى در هر بخش شهر لازم است تا متناسب به تعداد نفوس در نظر گرفته شود.

۷. مغاير ماستر پلان شهرى اعمار منازل در نقاط مختلف شهر سيستم نامنظم را در شبكه شهرى بوجود آورده و ازماهيت شهرهاى معاصر آنها دور مى سازد، مثلاً منازل اعمار شده قلعه موسى، دشت برچى، قلعه شاده و ساير محلات كابل كه تخریب و تنظيم بعدى آن مشكلات زيادى را با خود همراه دارد.

۸. مراكز پوستى و مخابراتى در نقاط مختلف شهرى با پوست بكس ها بايست تسهيلات مردم را فراهم سازد.



## کابل امروز و ماجراهای تلخ آن

در طی دو دههٔ اخیر خواستاً از ژورنال ۱۳۵۷ باینطرف رویداد های کابل، قصه های پر ماجرا و دلخراش آن، داستانهای تلخ توام با ناامیدیها و بدبختی های آن در چار دیوار خانه ها، در کوچه ها و بازار ها و کلیه ابعاد شهری بر سر و روی مردم ابر تیره و سیاه طوفانزا را پخش کرد که این مایوسیت های همه جانبه و رقت بار اکثراً شامل تاراج، دست برد و یغمای کلیه متاع زندگی و پدیدده های فرهنگی میباشد و در هر بخشی از مسایل کلتوری چه در شیوه رسوم و عنعنات ملی و محلی و چه در محرمیت های ناموس داری و افتخارات تاریخی، امور صناعتی، دست آوردهای تجارتنی، اداری، علمی تمامی مؤسسات و مراکز فرهنگی اثرات ناگوار بجا گذاشت و بر مردم اصیل و با فرهنگ شهر و کشور ما سخت ببداد روا داشت، تمامی بود و نبود مردم را از بین برد و در سراب سوزان و کوره راه های مصیبت بار آنها را جا داد.

اثرات ناگوار این جنگ های خانمان سوز بر کلیه مؤسسات فرهنگی همچو انستیتوت ها، پوهنتون ها و حتی مراکز مذهبی و اماکن مقدسه صدمه بزرگ و جبران ناپذیر

پیکره زیبای شهر تاریخی کابل وارده آورد، در نتیجه شهر کابل در ابعاد مختلف جنگ های تحمیلی به خراب ترین حالت و به اسفناک ترین وضع سیمای یک مخروبه، توده خاکستر را اختیار کرد و به یک ویرانه وحشت آور مبدل گردید. همانطوریکه شهر غلغله در بامیان توسط چنگیز به یک خاک توده مبدل گردید، همین اکنون وضع عمرانی کابل بیش از شهر غلغله چیزی دیگر را تمثل کرده نمیتواند. این شهر زیبا که دارای پارک ها، سرک های منظم اسفالت شده و بازارهای پر سر و صدا، مکاتب و مراکز کلتوری و صنعتی بود اکنون خاموش و بی صدا بوده باشندگان آن شبیه کالبدهای متحرک دور از هر نوع شور و شعف و فاقد هر نوع توان مالی که تبسم در لبان شان و اشک در چشمان شان خشکیده است روی جاده های مخروبه سرگردان اند. بدبختی های پرماجرای کابل و قصه های دلخراش و روز های فلاکت بار مردم رنجدیده و داغدار آنرا حتی عفت قلم نمیتواند بیان کند. "آسمان بار امانت نتواند کشید، قرعه فال بنام من دیوانه زدند." درین بخش و درین مقطع زمانی مراحل ناگوار آنرا خیلی فشرده از نظر میگذرانیم و امید است که دانشمندان و قلم به داستان کشور ما طی داستانهای کوتاه گزارشات فاجعه بار آنرا جسته جسته بنویسند و عمال تخریب کارانرا بهتر معرفی و آشکار سازند. در دوره سیاه کمونزم ثور ۱۳۵۷ با صدور فرامین غیر منطقی که کاملاً ضد عنعنات ملی و اسلامی بود آغاز بدبختی ها برای مردم افغانستان و در مرحله نخست برای مردم

کابل و ولایت کابل محوسب گردید. فرامین نابجا و مغایر شئون اجتماعی و اخلاقی همچو فرمان اصلاحات ارضی، فرامین سواد آموزی و مهر اجباری در کلیه مؤسسات و نواحی شهری انعکاسات بس شدید و نا درستی از خود بجا گذاشت که از جمله عوامل بس مهم و تحریک کننده اذهان عامه تلقی گردید. با صدور فرمان اصلاحات ارضی مردم زمین دار کابل در تناقص با سایر دهاقین و کارکنان دولتی قرار گرفت. در کابل زمینداران بزرگ بصورت دسته جمعی و یا انفرادی بامخالفت و تهدید دولت مواجه شدند، بطور مثال در قلعه قاضی چاردهی بنا بر سعایت اعضای اتحادیه صنفی زنده در زیر گل و آوار پلچرخی قرار گرفت، همچنین در چاردهی کابل، قلعه فاضل بیگ، نیازبیگ، دارالامان، ده دانا، چهلستون، دهسبز، بگرامی و شیوه کی زنده بگور کردن و در گودالها انداختن موسفیدان و زمینداران متنفذ یک امر حتمی و لا بدی محسوب میگردید.

با تطبیق این فرمان اجباری در هر ولایت دست زمینداران از ملکیت مشروع شان بیرون کشیده شد، و عکس العمل آن برای نظام کمونزم در کابل یک پدیده جبران ناپذیر بود که زمین داران ترك دیار و محل کرده راه سفر را در کشورهای دور و نزدیک در پیش گرفتند.

فرمان سواد آموزی اجباری در بین طبقه اناث و دختران جوان افتضاح دیگری را برای مریبان کمونیزم نیز به بار آورد، زیرا این فرمان باعث آزار و ازیت دختران باعفت گردید و

منافی عزت اکثر فامیل های متدین و صاحبان رسوخ گردید. بهمن ترتیب مهر مقید به سه صد افغانی و نکاح اجباری بدون قید و شرط سبب شد که رضایت و اراده والدین سلب گردد و مغایر روحیه والدین امور ازدواج دختران انجام داده شود. به همین ترتیب ثبت و راجستر اماکن شهری که يك شخص نباید مالك دو حویلی باشد نیز تهدید کلی به صاحبان منازل شهری تلقی میگردید. رفتن اجباری در سازمان جوانان و اعطای امتیازات تنها به هواخواهان کمونیزم سبب بر انگیزختن قیام کلیه مردم افغانستان و شهر کابل گردید. این اعمال ضد ملی و ضد اسلامی آهسته آهسته سبب قیام دسته جمعی شهریان کابل شد، دختران دستمالهای سرشان را دستار در سر بستند و قیام دلاورانه را علیه نظام کمونیزم راه انداخته، بالاخره در حوت ۱۳۵۸ قیام همگانی و دسته جمعی همشریان کابل در نواحی مختلف شهر سازمان داده شد که تعداد زیاد مردم دیندار و مسلمانان با دیانت در مقابل سیلوی مرکزی، سپین کلی، چارراهی ده بوری، کارته چار، پل هارتل، و دارالامان طور رویا روی هدف مرمی قرار گرفتند و جام شهادت نوشیدند، این عمل در پوهنتون کابل باعث تظاهرات عظیمی گردید که دولت آنوقت مجبور به تعطیل پوهنتون گردید و از همان تاریخ به بعد همه ساله ۳ حوت به حیث يك روز پر ارج تاریخی توسط نهضت های ملی در کلیه شهرهای افغانستان و بالاخص در شهر کابل تجلیل میگردد و با صدای الله اکبر مردم کابل را به قیام ملی دعوت میکردند. با عملی شدن این

پروگرام مردم کابل يك پارچه و با يك آرمان مقدس صفوف شکست ناپذیری را بوجود آوردند، بالاخره با شهادت هزاران هموطن مردم کابل توأم با مؤسسات تعليمی و فرهنگي تحت فشار و شکنجه سياسي قرار گرفتند.

تعليمات با روحیه مادیت در صفوف مكاتب و پوهنتونها تدریس می شد که شاگردان و استادان را علیه خود برانگیخت. همان بود که نهضت های ملی در بین محصلان پوهنتون، انستیتوتها و مكاتب به مقیاس وسیع به فعالیت آغاز کرد و در هر يك از مراکز علمی تظاهرات خیابانی راه انداخته شد و دروس را تحریم کردند. ازین وقایع به بعد فشار سياسي و اجتماعی بالای شهروندان کابل بیشتر گردید و بصورت انفرادی تک تک محصلان و همشهریان متنفذ و برجسته در زندان انداخته شدند و راه فرار و بیرون شدن از کابل را بر آنها مسدود ساختند.

مردم کابل مانند اسرای جنگی در بین کمربندهای دفاعی حفاظت می شدند و هیچ فردی نمیتوانست ازین کمربند ها خارج شود. افرادی که میخواستند ازین حلقه های محافظوی خارج شوند حتماً در یکی از کمربند ها بدام می افتاد که به قیمت جانش تمام می شد. جوانانیکه در سن بلوغ میرسیدند گروههای جلب و احضار آنها را تهدید میکرد و آنانیکه از خدمت عسکری فرار میکردند بخاطر این کمربندهای دفاعی گاه گاهی زندگی خود را ازدست میدادند و اگر از تصادف بخت به او یاری میکرد میتوانست که راه

فرار را در پیش گیرد و خود را از مضيقه گروپ های جلب و احضار نجات دهد. در سالهای اخیر ۱۳۶۵- ۱۳۶۷ تحریم اقتصادی کشورهای غرب و همسایه عرصه زندگی را بر مردم کابل تنگ تر ساخت، قیمت اموال در بازارهای شهر صعود کرد که در نتیجه فامیل های بی بضاعت و ناتوان قدرت خرید متاع یومیه زندگی را نداشتند و حتی يك قرص نان خشك را برای خویش تدارك نمیتوانستند، ازین لحاظ اکثریت مردم راه فرار و بیرون رفتن از شهر کابل را در پیش گرفتند و قسمت اعظم نفوس کابل به کشورهای همسایه و کشورهای غرب با انواع مصایب و آلام راه سفر را اختیار کردند، قسماً در کمپ های شمرخپل، کمپ های سرشاهی ننگرهار و کمپ های پشاور جا بجا شدند و زندگی قرون وسطایی را به اجبار تحمل کردند، از جانبی هم به حیث قوای بزرگ بشري برای آبادی دیگران عنصر مهمی را تکشیل دادند، اما خود آنها با انواع مشقات در تمام عرصه های زندگی مواجه گردید و با قیمت ویرانی کابل، کشورهای همسایه ما آباد گردید.

موضوع جلب احضار جوانان و استخدام آنها در جبهات جنگ بر ضد مجاهدین وقت برای فامیل های کابل خیلی گران تمام می شد، بنا چار جوانان کابل برای مدتی در خانه ها و جاهای مخفی خود را پنهان میکردند تا آنکه روزنه فرار برای شان فراهم می شد و با اندك ترین فیصدی که راه خروج از کابل را سراغ میتوانستند با قبول همه زحمات و مشقات از شهر خارج می شدند و با برادران خویش در پشاور و جبهات

گرم می پیوستند.

موضوع جلب و احضار ساحه زندگی متعلمین مکاتب و محصلین پوهنتونها رانیز در مضيقه قرار داده بود، به این مفهوم که محصلین و متعلمین در سنين هفده و هجده هنگامیکه در امتحانات صنفی خویش ناکام می شدند به مجرد اعلان نتایج به عسکری سوق داده می شدند، که این موضع محصلین و متعلمین را در جریان به امتحان در دوراهه خوف و امید، کامیابی و ناکامی قرار می داد، بناچار محصلین و متعلمینیکه از امتحانات خویش مطمئن نبودند، راه فرار را به کشورهای مجاور و خارج مرجح قرار میدادند بر خلاف آنچه محصلین و متعلمینیکه بر خواست زمان و ارزوی های حکومت قرار میداشت در پوهنخی های آمادگی و کارگری و پوهنخی های دلخواه خود بخوبی شامل شده میتوانستند. این نوع عدم تساوی حقوق ساحه تعلیمی جوانان را در کابل با شرایط ناگواری مواجه ساخت و برای هر يك از افراد جوان و فامیل های شان زمینه مسافرت را فراهم می گردانید، تا آنکه نیروی بشری علمی، و قشر پر تحرك مردم کابل از عرصه تعلیم و ساحه مکاتب، پوهنتونها و سایر مشاغل اساسی تدریجاً دوری جستند. اهل کسبه، تاجران، مامورین ملکی، علماء، استادان و دانشمندان و قلم بدستان پرتوان مؤسسات علمی شهر کابل را ترك گفتند و زمینه انحطاط فرهنگی و علمی، تجاری و صنعتی آهسته - آهسته در کابل سیر نزولی خود را اختیار کرد که در نتیجه فرو پاشی و سقوط فرهنگی در کابل مسلط

گردید.

فرار این کتله دانشمندان و جوانان پر تحرك در پشاور زمينه بوجود آوردن پوهنتونهای دعوة الجهاد، احمد شاه ابدالی، و سيد جمال الدين را پايه گذاري کرد و موازي با انحطاط معارف مکاتب نسوان و ذکور مماثل مکاتب کابل تحت عين نام در پشاور طرحريزي گردید.

- عامل ديگر در فرار مردم از کابل فقر اقتصادي، حد اقل عايد شبا روزي مردم بود، زيرا کنترول جدی براه های ورودی بکابل در ساحه نغلو، ميدان و پل علم سبب شد که امتعه و مواد اوليه ضروري بکابل نرسد، خاصتاً تيل، برنج روغن و آرد از راه های مختلف و توسط نيروهای مختلف جهادی به کابل ممانعت می شد. ازین سبب تعداد زياد فاميل های شهر که در سرماي شديد زمستان حوصله زنده گی را نداشتند به استقامت جلال آباد و پشاور حرکت کردند و راه مهاجرت را در پيش گرفتند. در يکی از زمستانهای سال ۱۳۶۷ سردی هوا و فقدان مواد غذایی به حدی مردم را در مضيقه قرار داد که چندین طفل خورد سال در پای ديوار خبازيها بنابر برودت و سردی هوا منجمد شده حیات خود را از دست دادند.

- دوام جنگ و آوردن فشار بر حکومت کابل از سمت غرب و جنوب باران راکت را بر مردم مستضعف کابل وساحات غير نظامی هم فرو ریخت. از سمت پغمان تمام تأسيسات دولتی، مراکز علمی، صناعتی، تجارتي و نظامی تحت



رگبارهای راکت قرار می‌گرفت، و بهمین ترتیب از ساحه چار آسیاب ضربات شدید راکتی بر نواحی جنوب کابل، کارته سه، کارته چار، جمال مینه، خوشال مینه، ده دانا، چهلستون، دارالامان، وارد می‌آمد که این موضوع باعث حریق اکثر منازل کشتار و شهادت هزاران هزار فرد هموطن و مردم کابل شد که این موضوع فکتور خیلی مهم در فرار مردم از خانه و کاشانه شان محسوب می‌گردد. مردم با امکانات خیلی محدود با وسایل خیلی ناچیز در جلال آباد، کمپ سرشاهی، هده، دوراهه سرخرو و کمپ های پشاور جابجا شدند، و بازنده گی پر از درد و رنج در دیار مسافرت روزگار تلخ و تیره را سپری کردند. در مراحل اخیر روزگار حکومت دوکتور نجیب الله بطور آشکار درز و انشقاق برزگی در اورگان کمیته مرکزی به اصطلاح حزب وطن رونما گردید.

دوکتور نجیب الله که میخواست به میدان هوایی کابل خود را برساند و از آنجا رهسپار هند گردد در میدان هوایی با موانع مسلحانه مواجه گردید، از میدان هوایی واپس عزیمت کرد و در بازگشت به ملل متحد پناه برد و در آنجا خود را تسلیم داد.

عوامل زیادی در مورد انشقاق کمیته مرکزی وجود دارد، که از آنجمله انحصار توزیع زمین در کندوز، بغلان و مزار شریف می باشد. از همین جا خلای بزرگ سیاسی و اداری بین اعضای کمیته مرکزی بوجود آمد، و از آن به بعد حکومت دوکتور نجیب الله مراحل سقوط دایمی و قطعی خود را پیمود.

انحطاط حکومت نجیب الله با فروپاشی نظام کمونزم همزمان بود و اصلاً فروپاشی نظام کمونزم با اوج حملات مجاهدین وقت به افغانستان تحقق می پذیرد.

### مجاهدین افغانستان و فروپاشی کمونزم:

مجاهدین وقت را که ایالات متحده امریکا، کشورهای همسایه و کشورهای اسلامی تمویل و تقویت میکردند، توانستند به یمن قدرت مجاهدین افغان صفوف کمونزم و مجهزترین عساکر وقت شوروی را در کابل، هرات، صفحات شمال، پنجشیر، پروان، وردک، میدان، لوگر، ننگرهار، پکتیا، خوست و سایر محلات و بلاد مهم افغانستان به شکست های فاحشی مواجه سازد، همان بود که قوای شوروی مجبور به ترك افغانستان شد، و حدت المان شرق و غرب تامین گردید. کوریای شمالی و جنوبی به تفاهم پراختند، ویتنام شمالی و جنوبی به کشور واحد مبدل گردید، و جنگ سیاره گان اصلاً بنیاد اقتصادی و مالی اتحاد شوروی سابق را به خاک یکسان ساخت و بودجه مالی اتحاد شوروی که محض روی پلانهای قبلاً تنظیم شده پیشبینی می شد، باکسرات زیاد و هنگفت مالی مواجه گردید و شوروی دیگر توان آنرا نداشت که در برابر قوا و نیروی بزرگ اقتصادی و سیاسی ایالات متحده بیش ازین مقاومت نماید، خاصتاً که منطق اقتصادی و پروگرامهای کیهانی شوروی را گرباچوف نتوانست در برابر پالیسی اقتصادی و سیاسی امریکا تبرة نماید، بناچار رخنه بزرگ در

نظام شوروی پدید آمد و با کناره گیری گرباچوف نظام کمونزم با اعمار آن از هم فروپاشید، هر ایالت به کشورهای مستقل مبدل شد و اعمار آن در شمار کشورهای ازاد هر کدام هویت سیاسی خود را احراز کردند، در کنار بحیره بالتیک در آسیای میانه و اروپا تحولات سیاسی بزرگی رونما گردید، اینهمه تحولات سیاسی در ابعاد مختلف مرهون زحمات و پیکار خسته گی ناپذیر مجاهدین وقت بود که در ساحه بین المللی از یکسو باعث ازادی افغانستان شد و از جانبی باعث فروپاشی اتحاد شوروی گردید و بحیث کل بشریت را از فاجعه کمونزم نجات داد.

## ورود مجاهدین به کابل:

بتاریخ ۸ ثور ۱۳۷۲ مجاهدین بصورت تازه دم به کابل رسیدند، آمدن مجاهدین بکابل قسماً با تفهمات قبلی بینن سیوان نماینده ملل متحد و جناحهای مختلف حکومت نجیب الله توام بود. در کابل قوای حزب اسلامی تمام مراکز خاوندوی، وزارت دفاع و وزارت امور داخله را در همان شب اول در اختیار داشتند، اما بعدتر نیروی شمال بر کابل چیره شد و جنگ های خانه بخانه در هر کوچه و بازار کابل شیوع یافت و کابل زیبا بار دیگر تخریب و ویران گردید. بعداً جمعیت در کابل تسلط پیدا کرد، اما تدریجاً درزها و انشقاق گروپ های جهادی روز بروز فزونی گرفت.

خاصتاً موقعیکه گروپ جنبش در بالاحصار و تپه مرنجان، گروپ حزب اسلامی در جنگلك و کوه شیر دروازه و بعد تر در چار اسیاب مستقر گردید و گروپ وحدت در پوهنتون کابل، پولی تخنیک و علوم اجتماعی جابجا شد، سبقت يك گروپ بر گروپ دیگر سبب شد که کامل صحنه جنگ رویا روی قرار گیرد و در هر کوچه در اثر برخوردهای مسلحانه قسمتی از شهر ویران گردد، همان بود که در اثر نبردهای متواتر و رگبارهای راکت و بمباردمان قسمت اعظم شهر تخریب شد و به ویرانی مواجه گردید. در نتیجه این جنگها پوهنتون کابل چندین بار آتش گرفت و ویران شد، پولی

تخنیک دگرگون گردید و علوم اجتماعی هدف راکت های قرار گرفت که چهره و سیمای اصلی خود را از دست داد و بالاخره نه کتاب، نه شاگرد و نه استاد درین مراکز مقاومت نتواسته، مراکز علمی، اداری، تجارتي، اقتصادی، و مارکیت های شهر همه تاراج و ویران و به انحطاط کلی مواجه گردید. نفوس شهری از خوشحال خان، کارته سه، کارته چار، جاده میوند، بالاحصار کارته شاه شهید، کارته نو و قلعه زمان خان تماماً از سر پناه و کاشانه خویش مهاجرت کردند و قسمت عمده غربی جنوبی و شرقی شهر به ویرانه و خاکستر مبدل گردید، در نتیجه آزادی کشور و کابل از دست نظام کمونزم در اثر مداخله اجانب و عاقبت ناندیشی و عدم اتحاد و اتفاق به یأس و ناامیدی مردم مواجه گردید، باشندگان اصلی شهر تقریباً تماماً زادگاه و محل سکونت خویش را ترک کردند و راه دیار هجرت و مسافرت را در پیش گرفتند. بعد از ترک گروپ های جهادی شهر کابل بیش از ویرانه ئی بجا نماند. مراکز علمی، فرهنگی، اداری، تجارتي و صنعتی همه و همه به باد فنا گرفته شد و به آن همه عظمت شکوه و جلال کابل خاتمه داده شد. گروپ های جهادی نتوانستند از در مسالمت در اداره و انتظام شهر و کشور خویش موفق شوند، آهسته آهسته زمینه بازاریابی برای بیگانگان و دینگران فراهم شد. مردم و پشتوانه اقتصادی کشور بدست همسایگان افتاد، در نتیجه عزت و ناموس آزادی و وحدت کشور و تمامیت ارضی آن اکنون جداً تحت سوال می آید.

بعد از آنکه مجاهدین در نیمه سال ۱۳۷۵ کابل را ترك گفتند تحريك طلبه ها بر كابل مسلط شد اما درين برهه زماني كدام تخریب و آسیب فزیکي بر كابل مستولی نگردید، منتها برمبنای شریعت محمدی مكاتب نسوان تعطیل گردید، هواخواهان گروه های جهادی كه در نقاط مختلف شهر دارای خانه و منزل بودند، بنا بر تضادهای سیاسی كابل را ترك كردند كه این انگیزه باز هم سبب شد تا تعداد زیاد شاگردان، محصلین، استادان و مردمان شهری راه فرار و یا راه هجرت را در پیش گیرند، باین اساس نفوس شهری و محلات تجاری و نواحی مختلف آن مرحله به مرحله تخلیه گردید، كه امروز به جز از يك تعداد مردم انگشت شمار دیگر در شهر كابل مردمان اصلی آن را سراغ کرده نمیتوانیم.

## فقر و بیچاره گی های مردم کابل

وقتی انسان بخواهد، بیچاره گی ها و هر دم شهیدی های باشنده گان کابل را در زبان قلم در آورد، و یا آن را تمثیل کند موی در بدن انسان راست می شود، و گاهی هم عفت قلم اجازه نمی دهد و گاهی هم جرئت نویسنده گی را از انسان سلب می نماید و آن هم باین خاطر که:

آتش از خانه همسایه درویش مخواه

آنچه از روزن او میگذرد دود دل است

الحق، اگر در ویرانه های جنگ زده کابل از قبیل خوشحال مینه، کارته مامورین، ده بوری، کارته چار، دو طرفه سرك دارالامان، گذرگاه، جاده میوند، شاه شهید، کارته نو، ساحه بالاحصار، چمن حضوری، مکروریان اول و امثال آن انسان عطف توجه نماید اینجاها در بین بعض از نیروهای درگیر خط مقدم جنگ را تشکیل میداد و در اثنای درگیری فامیل های که خود را کشیده نمی توانستند، فیصدی بیشتر آنها جان و مال خود را از دست میدادند، که در نتیجه حریق و آتش سوزی نه تنها لانه و کاشنه شان فرو میریخت بلکه جسم و روان شان منحنیث هیزم جنگ میسوخت، دود و آتش آن

ساعات طولانی هوا را تیره میساخت و آنچه در ویرانه های جنگ زده کابل میگذشت همان روح و روان شخص بود و همان جسم بیدفاع او که براو چه میگذشت و چطور توان تحمل آن را داشت، زنان و مردان مسن قادر به فرار نبودند، اطفال کوچک و صغیر و بیوه زنان اکثراً در رگبار آتش جبهه جنگ قرار میگرفتند که راه نجات بر آنها به هیچگونه میسر نبود.

قضا دیگر نشود با هزار ناله و آه

که به شکر یا به شکایت برآید از دهنی

فرشته که وکیل است بر خزاین باد

چه غم خورد که بمیرد چراغ بیوه زنی

درین جنگهای خانمانسوز هزاران چراغ بیوه زن خاموش

شد، و هزاران زن بیوه و هزاران طفل یتیم گردید، مشکلتر

آنکه از يك ناحیه شهری به ناحیه دیگر شهر در جنوب کوه

علی آباد و آسمه مایی، ساحه جاده میوند و بالاحصار مجال

عبور و مرور به درستی میسر شده نمیتوانست.

بیچاره زنانیکه میخواستند، بغرض خریدن و بدست

آوردن چند قرص نان از قلعه واحد و یا ده بوری به سوی پل

سوخته بروند چه مزاحمت های نبود که بر آنها مستولی نمیشد.

و یا يك تعداد بیچاره زنانیکه بطور انفرادی و یا دسته

جمعی بسوی چار آسیاب میرفتند تا مقداری آرد، روغن و تیل

خریداری کنند و یکی دو شب خود را توسط آن سپری نمایند

و یا جوانان بایسکل سوار که از ساحه چار آسیاب بمقدار

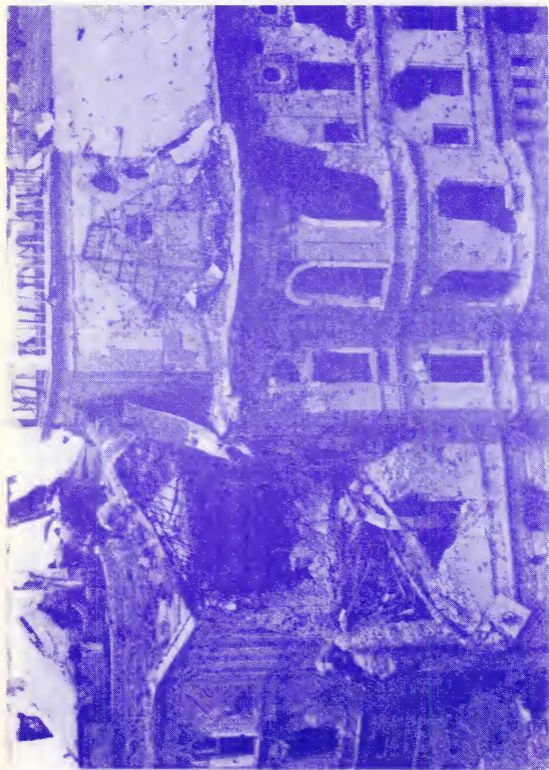
ناچیزی از مواد اولیه را خریداری کرده برای زنده ماندن فامیل



خود به کابل می‌آوردند در طول راه با چه تعداد قرارگاه های افراد مسلح مواجه میشدند و چه نوع روش بانها صورت میگرفت خاصتاً اگر تبادل آتش بین نیروهای درگیر بوقوع میپیوست، چه ماجراهای هولناك و وحشتناك به این زنان و جوانان بیچاره صورت میگرفت، اینجاست که عفت قلم از توضیح آن عاجز می ماند.

يك تعداد فامیل های که از ساحات جنگ زده کابل خارج شدند، موقتاً در پغمان و پروان و اطراف کابل اقامت گزیدند و بعداً راه مهاجرت را سوی جلال آباد و پشاور در پیش گرفتند. با نداشتن پول کافی و لباس مناسب چه شب ها و روزهای تلخ و ناگواری را سپری کردند، در کمپ های مختلف جلال آباد در کمپ های پشاور شب ها و ورزش های سوزان را با آه و درد گذشتاند، بنا بر فقر و بیچاره گی بازدواج های اجباری و فروش اطفال تدریجاً تن در دادند، در برابر مصایب و آلام جنگ اگر مقاومت کردند در مقابل امراض کشنده نتوانستند استاده گی کنند، در جستجوی کار و بدست آوردن لقمه نانی اکثراً جان خود را از دست دادند.

در طول راه کابل - جلال آباد به واقعات و حادثات فلاکت باری هم مواجه می شدند که گاه در حضور پدر و مادر فرزندان شان از موتر پائین کرده می شد و دوباره به فامیل های خود پیوست شده نمیتوانستند، به همین ترتیب خواهر از برادر و حتی زن از شوهر جدا ساخته می شدند و چاره هم نبود، خلاصه آنکه:



نمای تخریباتی قصر دارالامان

Helu Trust 1995



نمای ویرانی جاده میوند

Jolyon Leslie, 1995



نمای ویرانی شور بازار

Robert Mc. Kerrow, 1996



نمای ویرانی شور بازار

N. Dupree 1995

"این باغ غیر داغ عزیزان گلی نداشت"  
گاهی برادر با برادر، والدین به فرزند یگانه خود نمی  
توانستند کمک نمایند. در بعضی موارد عاطفه، احساس و  
کرامت انسانی و برادری هم قابل سوال(؟) بود، این است شمه  
از اثرات جنگ در رابطه با عاطفه انسانی.  
تو کز محنت دیگران بیغمی  
نشاید که نامت نهند آدمی

## تثبیت موقعیت ساحات تخریب شده:

از سال ۱۳۷۱ به بعد در اثر باران راکت در شهر کابل نه تنها شهر ویران گردید بلکه توام با مهاجرت های اجباری ساحه تخریب شده، اجزای باقیمانده شهر در ساحات جنوب کوه آسه مایی، علی آباد، افشار و بخش های جنوب تپه مرنجان، پلچرخی، وساحه صنعتی کابل بنا بر فقدان نفوس و بی ثباتی و عدم مصئونیت بعد از وقفه های جنگ مورد دستبرد و تاراج قرار گرفت. که نه تنها شهر را به ویرانی مزید مواجه گردانید، بلکه ماهیت و رعایت ماستر پلان شهری بکلی از بین برده شد. بنا بر آن تخریب و ویرانی شهر کابل را در دو تصنیف میتوان مورد بررسی قرار داد:

۱- آن بخشهای شهر که مستقیماً در اثر جنگ ویران گردیده.

۲- ساحاتی که در وقفه های بعد از جنگ مورد دستبرد و ویرانی قرار گرفته است.

- آن نواحی شهری که مستقیماً از جنگ آسیب یافته و کاملاً به انهدام و تخریب مواجه شده از دو لحاظ به بررسی گرفته شده و تثبیت موقعیت میگردد.

- از لحاظ ماهیت فرهنگی - سیاسی، از لحاظ مسایل اقتصادی، و تجارتي:

اگر بدقت توجه بعمل آید بخشهای کاملاً ویران شده

شهر شامل کتگوریهای آتیست:

- ساحات صنعتی:

- تمام دستگاه های صنعتی شهر صنعتی واقع پلچرخ که شامل فابریکه های ادویه سازی هونخت، دستگاه های نساجی، پشمینه بافی، ساختمانی، سیخ گول و سایر خدمات تولیدی و اقتصادی.

- دستگاه صنعتی نساجی بگرامی.

- دستگاه های صنعتی جنگلک با تمام تأسیسات و

وسایل آن

- دستگاه های صنایع انفرادی در نادر پشتون، جاده

میوند و مرکز شهر.

- خدمات صحنی و شفاخانه ها:

- سناتوریم و توبرکلوز که با وسایل طبیی ان از بین برده

شده.

شفاخانه علی آباد با وسایل لابراتواری، جراحی،

دستگاه رادیو گرافی و کوبالت شصت.

- شفاخانه نور با وسایل اوبتیکی آن.

- مرکز اورتپیدیک در سمت غرب شفاخانه علی آباد که

با تمام ذخایر صنعتی و وسایلیکه توسط آن پاهای مصنوعی

تهیه میگردید از بین برده شد.

- سایر کلنیک های محلی که در نواحی سه، پنج، شش،



هفت و در امتداد جاده میوند، سید نور محمد شاه مینه و کارته نو، مصروف خدمات صحی بود، تماماً به ویرانی و رکود مواجه گردید.

- کلینک مرکزی، و شفاخانه ابن سینا هم قسماً ازین جنگ ها صدمه دید.

- خدمات ترانسپورتی: تماماً بس های برقی و مراکز آن، مراکز بسهای شهری با ایستگاه های آن، به شمول مراکز برق و جنکشن های برق و برجهای برق با ترانسفارمرهای آن - مراکز تجارتي:

- سرای شهزاده و ساحه تیمور شاهی.

- ساحات بانك رهنی و تعمیراتی، بانك زراعتی.

- ساحات تجارتي جاده میوند الی چمن.

- ساحات تجارتي در میرویس میدان، بریکوت، کارته

شاه شهید، نور محمد شاه مینه و کارته نو.

- ساحه تجارتي ده بوری، علاو الدین و دار الامان.

- ساحه تجارتي واصل آباد، گذرگاه، چهلستون، جنگلك

و نواحی مجاور آن.

مراکز تجارتي مراد خانی، اطراف پلخستی و نادر

پشتون.

- تمامی تانك های ذخایر تیل و پمپ ستیشن ها از

چارراهی میرویس میدان الی کارته نو تخریب و فاقد استفاده گردید.

مراکز علمی و فرهنگی:

مراکز علمی و فرهنگی در ساحات جنگ زده کابل بیشتر از همه صدمه دید که برای نسل جوان در مجموع برای افغانستان جبران آن گران می‌باشد. در ساحات جنوب شهر اضافه تر لیسه های قرار داشت که تعداد زیاد مردمان شهر کابل پسران و دختران خود را غرض تحصیل روان می‌کردند، این مراکز شامل مؤسسات تحصیلات عالی، ثانوی، متوسطه و ابتدائیه بود که مختصراً از آن نام می‌گیریم.

- در بخش تحصیلات عالی:

- پوهنتون کابل بیش از همه ویران شده بود که به توجه رهبری دولت زودتر آسیب پذیری آن طوری وقایه گردید که استادان و محصلان توانستند در سالهای ۱۳۷۴- ۱۳۷۵ بدروس خویش مجدداً آغاز نمایند و باز سازی پوهنتون مطابق نورم و پلان قبلی مجدداً اعمار گردید.

- انستیتوت طب دولتی که آنهم مواجه خسارات زیادی شده بود مجدداً بازسازی شد و محصلان آن مصروف تحصیلات عالی خویش شدند.

- انستیتوت پداگوژی که متأسفانه از محل اصلی خود بیجا شده و اکنون در شاه دو شمشیره ولی به دروس خود اشتغال دارند.

- بهمین ترتیب پوهنتون حربی تماماً دستبرد و ویرانی قرار گرفت.

- در بخش ثانوی و متوسطه:

تعداد زیادی از مکاتب ثانوی درین ساحه ویران شده و از محل اصلی اش بیجا شده است از قبیل:

لیسه محمود طرزی، لیسۀ خوشحال خان، لیسۀ حبیبیه، لیسۀ امانی، لیسۀ ابن سینا، لیسۀ غازی، دار المعلمین عالی و تربیه معلم، لیسۀ عایشه دزانی، لیسۀ محمود هوتکی، لیسۀ سید نور محمد شاه، حربی بنوونخی و ده ها مکاتب ابتدائیه.  
- متوسطه علاو الدین، متوسطه درخانی، و امثال آن.

این لیسۀ ها با وسایل درسی آن ویران شده، استادان و شاگردان آن قسماً ترك وطن کردند و قسماً در کابل و بعضی شهرهای داخل کشور مصروف کار میباشند. تخنیکم ها بخصوص جنگلک، تخنیک شاه دو شمشیره ولی، مکاتب حرفوی، تخنیک ثانوی، جیودیزی و ساختمانی درین ساحه خسارات و ویرانی های زیادی را متقبل شده اند. درین تخنیکم ها حتی وسایل ساختمانی و دستگاه های صنعتی آن کاملاً ضایع شده و از بین رفته است.

- موزیم کابل به صفت اولین مرکز آثار عتیقه و باستانی کشور تماماً تخریب و آثار آن به قاچاق و چپاول مواجه شده است.

مرکز تعلیمی رادیو تلویزیون در مجاورت دار المعلمین، پسته خانه ها و مراکز مخابراتی کارته چار و سایر محلات جنگ زده بکلی از استفاده همشهریان و محلات زیست بر آمده است.

منازل مسکونی که در ساحات جنوب آسه مایی و محلات جنگ زده تماماً ویران و تخریب شده که در نتیجه زمینه مهاجرت بیش از یک میلیون انسان را در کمپ سرشاهی و ننگرهار و حتی به پاکستان سبب شد و به این ترتیب زمینه تخلیه شهر کابل و ویرانی بیشتر آنرا برای مردمان استفاده جو فراهم ساخت و از لحاظ کیفیت معنوی صدمه جبران ناپذیر را برای شهر کابل به ارمغان آورد. صدمه مادی آنرا واضحاً همشهریان قطعاً تحمل نمیتوانند و بدون امداد مؤسسات بین المللی امکان پذیر هم نمی باشد.

تثبیت موقعیت ساحات ویران شده که بز ماستر پلان شهری اثرات ناگوار دارد به ترتیب ذیل ارائه میگردد:

- هر گاه موقعیت ساحات تخریب شده را بدرستی تثبیت نمائیم بهتر است که با استفاده از نقشه شهری در روی ترورسهایکه جاده های عمومی را نشان میدهد محلات تخریب شده را تثبیت موقعیت نمائیم.

- چوک میرویس میدان: این نواحی ویران شده را بالترتیب الی پلچرخی، کوتل یک لنگه در امتداد جاده ها و بین دو جاده از نظر میگذرانیم:

هر گاه چوک میرویس میدان را معیار قرار دهیم در چار سمت آن این محلات به ویرانی مواجه شده است:

- از چوک میرویس میدان الی سیلو و تصدیهای ترانسپورتی الی سرك اول کارته مامورین.

- از چوك ميرويس ميدان الی حوزه پنج و قلعه وزير در دو استقامت سرك پغمان.

- از چوك ميرويس ميدان الی ده بوری در دو استقامت جاده.

- بين سرك سيلو و سرك غربی پوهنتون کابل از سيلو شروع شده، تماماً خانه های بين دو جاده که قسمت اعظم ناحیه پنج را احتوا میکند.

- از سرك مقابل پولی تخنيک الی پرورش گاه در دو استقامت سرك تماماً خانه ها، دوکانهای افشار و منازل مسکونی در مجاورت کوه افشار.

- از ده بوری در امتداد سرك باستقامت کارته چار، تماماً تعميرات دو جانبه سرك الی مينار عبد الوکیل خان در بریکوت.

- از مينار عبد الوکیل خان با استقامت عقب محبس، جمال مينه، وزارت زراعت تعميرات علی آباد و منازل دامان کوه علی آباد.

- تعميرات غربی محوطه پوهنتون، به شمول برخی از پوهنخی ها و تعميرات استملاکی آن و قلع ده بوری.

از مينار عبد الوکیل خان در امتداد خط السیر بسهای سرای غزنی، منازل مسکونی کارته چار به شمول خانه علم و فرهنگ، فابریکه حجاری و نجاری و مکاتب ئیکه درین ساحه وجود داشت.

- در امتداد سرك دار الامان تعميرات دو جانبه جاده به

شمول لیسه حبیبه تعمیرات اطراف سفارت روسیه، جای رئیس، علاؤالدین، ریاست پنج، سناتوریم، شفاخانه نور و اطراف قصر دارالامان.

از قصر دار الامان الی چهلستون، از چهلستون الی جنگلک و باغ بابر و از باغ بابر الی پل هارتن، نو آباد دهمزننگ، به شمول تانک تیل دهمزننگ و باغ وحش و پسته خانه دهمزننگ و ساحه جوی شیر درین ساحه تخریب شده که ماستر پلان شهری را کاملاً از حالت اولی اش تحریف نموده است.

۲- از سینما پامیر در امتداد جاده میوند تعمیرات دو جانبه جاده با تمام مراکز تجارتنی و اداری و سرای های آن الی چمن حضوری ویران گردیده است.

- از اخیر جاده میوند الی مینار استقلال و سمت جنوب آن به شمول دروازه لاهوری الی بالاحصار و تعمیرات بالاحصار به شمول شهر کهنه، درخت شنگ و منازل مسکونی بکلی تخریب شده است.

- بهمین ترتیب از دروازه شرقی بالاحصار در امتداد سرك به استقامت جنوب دو جانبه سرك الی سیاه بینی و بینی حصار تعمیرات مسکونی و دستگاه های اهره کشی و صنعتی کاملاً از بین رفته است.

- قسمت اعظم کارته سید نور محمد شاه مینه در امتداد سرك سیاه سنگ به شمول مرکز نقلیه، مرکز ساختمانی شاروالی و سایر تعمیرات منهدم شده است، تعمیرات مشرف به دامنه تپه مرنجان، قسمت زیاد مکروریان اول، مرکز

ترانسپورت، شهری، بازار مراد خانی، چار چته سابقه مقابل مسجد پل خشتی، مسلخ، برج ساعت در حصه پل محمود خان، تعمیر سروی جیالوجی نیز درین ردیف ویران گردیده است.

- در امتداد سرك مکروریان دوم اطراف جاده آن تعمیرات منهدم شده و از آنجا الی پلچرخى در امتداد شاهراه کابل - ننگرها الی دامنه های جنوبی تپه های ده سبز- یکه توت - و بی بی مهرو منازل شهری ویران گردیده است.

اما آنعهده بخشهای شهری که بعد از وقفه های جنگ ویران شده، شامل خوشحال خان قسمتی از کارته سه، ده دانا، و اطراف منازل واصل آباد، کارته نو، پروژه نوآباد، کارته نو، هودخیل ها، قلعه زمان خان، و قلعه واحد بعد از جنگ در اثر دست برد از چوپ و دروازه و پنجره های تعمیراتی ان به ویران مبدل شده است، و به مرور یکی دو سال ماهیت عمرانی خود را از دست داده است.

تمامی این تخریبات عمدی ناشی از جنگ و تخریب زمینی بعد از جنگ کلیه نورمهای شهری را از بین برده است و با از بین رفتن شراین ترافیکی، مراکز امنیتی، علمی، و فرهنگی، عامل بزرگ در تخلیه دستگاه های صنعتی و تجارتی پدید آمده، شهر را از ماهیت شهری خارج ساخته است و با از بین رفتن نفوس کلیه خدمات شهری بر هم خورده است. شبکه آبرسانی، شبکه های تنویر برق، شراین ترافیکی بسهای شهری، سیستم مخابراتی، سیستم فعال تجارتی و داد

وستد معاملات یومیه در ناحیه جنگ زده کابل یا کاملاً از بین رفته و یا طور قسمی و زمینی باقیمانده، طوریکه لازم است بنا بر عدم استقرار نفوس فعال شده نمیتواند. رکن اصلی شهر را که تراکم نفوس و موجودیت مردم و باشنده گان آن تشکیل میدهد واقعاً باعث تحرك معاملات علمی، فرهنگی، تجارتی، صنعتی و ترانسپورتی میشود، اصلاً در مناطق جنگ زده به حد اقل آن پائین آورده و یا آنکه بکلی اکثر نواحی تخریب شده فاقد نفوس فعال شهری می باشد.



## کابل فردا با فردای مبهم آن

فردای کابل و بازسازی شهر در محراق توجه هر فرد افغان قرار دارد، زیرا از لحاظ مشخصات سیاسی پایتخت افغانستان و مرکز سیاسی کشور بوده از نگاه ملی و بین المللی ممثل کلیه معاملات دیپلماتیک در سطح جهانی محسوب میشود، و تمام روابط فرهنگی و سیاسی با سایر دول جهان از همین شهر بزرگ تاریخی برقرار میگردد. تمام ضابطه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، صنعتی، تاریخی و مذهبی با ابعاد مختلف آن از لحاظ کمی و کیفی از شهر کابل، یعنی این شهر باستانی و تاریخی تنظیم میگردد. ملاک های کلتوری و سیاسی در طول تاریخ در پیوند با شهر کابل وجود چند بعدی را دارا بوده، تغییرات و تحولات متمادی آن در طول تاریخ گذشته و یک دهه قبل ۱۹۸۶ - ۱۹۹۶ و خاصاً بعد از سال ۱۹۹۳ سیر تحول قهقرائی ویرانی و تخریبات پیهم شهر کابل را بیش از پیش در انظار اهل خبره و دانشمندان و بلکه تمام جهانیان به حیث یک موضوع انعطاف پذیر و در خور اهمیت جلوه میدهد. چه این شهر زیبا و سر سبز که همواره مورد باز دید سیاحین، سیاستمداران، مورخین، تجار و قلم بدستان جهان قرار میگرفت، بعد از سالهای ۱۹۹۳ قسماً به یک شهر متروک، ویرانه و بدون نفوس فعال و فاقد مراکز تجارتی و صنعتی مبدل گردید. خاصاً در موقعیکه مؤسسات خارجی و سازمان های عام المنفعه بین المللی و سفارت خانه

ها و مراکز دیپلوماتیک کلیه کشورها ازین شهر زیبا رحل اقامت بر بستند. بجز از خیرخانه، کارته پروان و شهر نو دیگر تمام نواحی شهر مورد پرتاب خم پاره های ثقیل راکت توپ و بمباردمان طیاره، مرمی تانک و اسلحه خفیفه و ثقیله قرار گرفت. این روند نامطلوب چه بد بختی ها و رویدادهای نا به سامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در کابل بوجود آورد، از همه بالاتر کاهش اعتبار و پرستیج سیاسی این شهر بود که روابط سیاسی سایر کشورها ازین شهر بر چیده شد و یک خلای بزرگ سیاسی را در سطح ملی و بین المللی بوجود آورد.

شهر کابل که از لحاظ ستراتیژیکی و نقش دفاعی در طول تاریخ سنگرگاه شکست ناپذیر در برابر بیگانگان بود، اما بعد از سال ۱۹۹۱ با جنگهای داخلی تمام نواحی جنوبی آن به خاک و خاکستر مبدل شد.

اکنون بازسازی کابل فردا کاملاً به اتحاد و هماهنگی نیروهای مسلط و تشریک مساعی، اتحاد و همبستگی کامل افغانها دارد.

اگر موضوع نفوس را بررسی گیریم دیده میشود که در سال ۱۳۶۹ش نفوس نواحی شهر را اینطور ارائه کرده بودند:

نواحی	نفوس مجموعی	ذکور	اناث	تعداد خانواده
ناحیه اول	۱۰۲۰۰۰	۵۶۰۰۰	۴۶۰۰۰	۱۹۷۰
رد دوم	۵۷۲۰۰	۲۹۳۰۰	۲۷۹۰۰	۹۲۰
رد سوم	۱۰۹۹۰۰	۵۱۸۰	۵۱۱۰۰	۱۵۳۰
رد چهارم	۱۳۲۳۰۰	۲۹۰۰۰	۶۷۳۰۰	۲۰۳۰
رد پنجم	۱۵۴۱۰۰	۷۹۰۰۰	۷۵۱۰۰	۲۲۴۰
رد ششم	۱۸۰۰۰۰	۹۳۹۰۰	۸۱۱۰۰	۲۶۸۰

۲۶۰۰	۸۶۷۰۰	۹۰۰۰۰	۱۷۲۲۰۰	زر هفتم
۱۸۱۰	۶۱۳۰۰	۶۲۳۰۰	۱۲۳۶۰۰	زر هشتم
۲۱۵۰	۷۷۲۰۰	۷۴۴۰۰	۱۴۶۶۰۰	زر نهم
۱۹۴۰	۶۳۵۰۰	۶۴۴۰۰	۱۲۷۹۰۰	زر دهم
۳۷۴۰	۱۲۷۶۰۰	۱۲۷۰۰۰	۲۵۳۶۰۰	زر یازدهم
۲۳۶۰۰	۷۳۴۸۰۰	۷۹۷۶۰۰	۱۵۶۲۴۰۰	مجموع

در سر شماری نفوس سال ۱۳۵۸ نفوس مجموعی کشور (۱۳۰۵۱۳۵۸) با تعداد مجموعی ۲۱۱۰۰۴۴ خانواده و ۱۵۶۲۴۰۰ نفر شهر کابل با ۲۳۶۰۰ خانواده شامل می باشد که تعداد این خانواده ها به پنج الی هشت نفر میرسید، و گاهی اعضای خانواده های په ده و یازده نفر ارتقا می یافت. از سال ۱۳۵۸ به بعد بالاخص بعد از نافذ شدن فرمان اصلاحات ارضی در افغانستان تعداد زیادی از هموطنان ما اجباراً به ترك وطن تن در دادند و از لانه و کاشانه اصلی خود مهاجرت کردند. اکثر ملاکین و زمین داران که در شهر کابل سکونت داشتند بناچار شهر را ترك کردند و به دیار هجرت دور از وطن سکونت اختیار کردند. بعداً در سال های ۱۳۷۱ ۱۳۷۴ بنا بر شدت جنگ در کابل و بارانهای راکت در شهر اکثراً مردم خانه های خود را ترك گفتند و در جاهای نسبتاً مطمئن نقل مکان کردند.

باشندگان شهر کابل بخصوص نواحی جنوبی - شرقی و جنوب غربی شهر بصورت دسته جمعی و کتلوی منازل خود را ترك گفتند و اکثراً پای برهنه و با يك جوره لباسیکه در تن داشتند اجباراً ترك مادر وطن کردند، اکثریت این آواره گان و

مهاجرین شهر نشین به حیات بدوی بادیه نشینی و چادر نشینی در کمپ های سرشاهی و سمرخیل در ننگرهار و يك تعداد زیاد در کمپ های پشاور (ورسك، كچه گپری، ناصر باغ، شمشتو، کمپ ببو...) به حال فلاکت بار به حیات مسافری و آواره گی سر تسلیم فرود آوردند.

این مهاجرین بعد از استقرار مؤقت در کمپ ها مجبور به مهاجرت های دوباره و چندین مرحله ئی شدند، بعد از آنکه متحمل فشار روحی، جسمی و مالی شدند از يك کمپ به کمپ دیگر و از يك محله به محله دیگر تغییر محل کردند و با این ترتیب نیروی فیزیکی و توان اقتصادی خود را با ضایعات و تلفات جانی از دست دادند.

ضرورت مبرم دیگری که در اعمار مجدد کابل احساس میگردد موضوع احیای مجدد مراکز فرهنگی و علمی است، زیرا کابل به صفت مرکز سیاسی افغانستان اولین مرکز بزرگ علمی، عرفانی و کلتوری در سطح کشور بود که بعد از سال ۱۳۷۱ خسارات هنگفتی را ازین ناحیه متحمل گردید، اکثراً مکاتب و مؤسسات تحصیلی و تعلیمی ویران شد، دانشمندان و استادان به تعداد زیادی مجبور به ترك وطن شدند، کتب، مجلات جرائید، آثار خطی و باستانی تماماً طعمه حریق و قاچاق گردید.

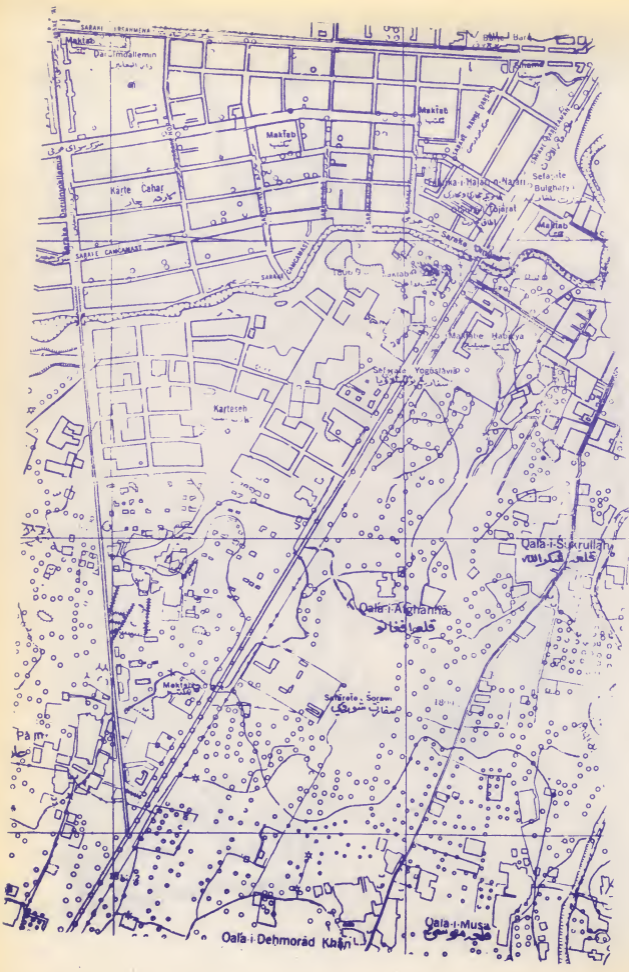
تنها در شهر کابل به تعداد ۹۵ باب مکاتب ثانوی پسرانه و ۵۱ باب مکاتب ثانوی دخترانه وجود داشت. پوهنتون کابل در سال ۱۳۷۰ به تعداد ده هزار محصل و بیش از ۴۹۰

تن استاد داخلی داشت، که در همان موقع بیش از پنجاه فیصد تحصیلات عالی را در سطح کشور تمثیل میکرد. به همین ترتیب انستیتوت پولی تخنیک، انستیتوت دولتی طب، انستیتوت پیداگوژی، اکادمی علوم، مؤسسات دینی و دار الحفاظ ها، تماماً در شهر کابل يك مجتمع بزرگ علمی و فرهنگی را تشکیل میداد که بعد از جنگهای سال ۱۳۷۱ - ۱۳۷۴ قسمت بیشتر آن که در جنوب کوه آسمانی قرار داشت از ادامه فعالیت های علمی بازداشته شد، محصلان و استادان آن ترك محل کردند و مراکز تعلیمی شان به خاک و خاکستر مبدل گردید.

- مراکز تجارتي و صنعتی که بر پرستیج و عظمت شهر کابل می افزود بعد از سالهای ۱۳۷۱ - ۱۳۷۴ قسماً فلج گردید و قسماً از فعالیت بازمانده تولیدات آن به تعلیق گذاشته شد. ساحه تجارتي و صنعتی کابل در ساحه شهر صنعتی پلچرخي کاملاً فدای جنگ و طمع حریق گردانیده شد که تماماً کار خانه های صنعتی سیخ گول، پشمینه بافی، بوت دوزی، ادویه سازی، جراب بافی، نساجی، و سایر دستگاه های آن نه تنها تخریب و ویران گردید، بلکه اموال اصلی دستگاه ها و ماشین آلات به خارج کشور به قاچاق برده شد، بهمین ترتیب فابریکه نساجی، بگرامی، دستگاه، صنعتی جنگلك، دستگاه های طباعتی و صنعتی که در مرکز شهر بود، همه از بین بره شد. ماشین آلات تخنیکم ها، دیپوی های ادویه و مراکز فروش آن تماماً منهدم گردید، ماشین آلات برقی و تولید حرارتي







SARABI ISTAHMENA

Maktab  
Dar-Idallemin  
دارالعلمین

Maktab  
مکتب

Karte Chahar  
کارت چهار

SARABI CAHARBAZI

Kartesh  
کارتش

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Maktab  
مکتب

Qala-i-Dehmerad Khan  
قلعه دهمراد خان

Qala-i-Musa  
قلعه موسی

Qala-i-Sakrullah  
قلعه سکرالله

Qala-i-Alghanna  
قلعه آغنا

Sefere-i-Sozan  
سفارت سوزان

Maktabe Habibiya  
مکتبه حبیبیة

Sefere-i-Yogostan  
سفارت یوگستان

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

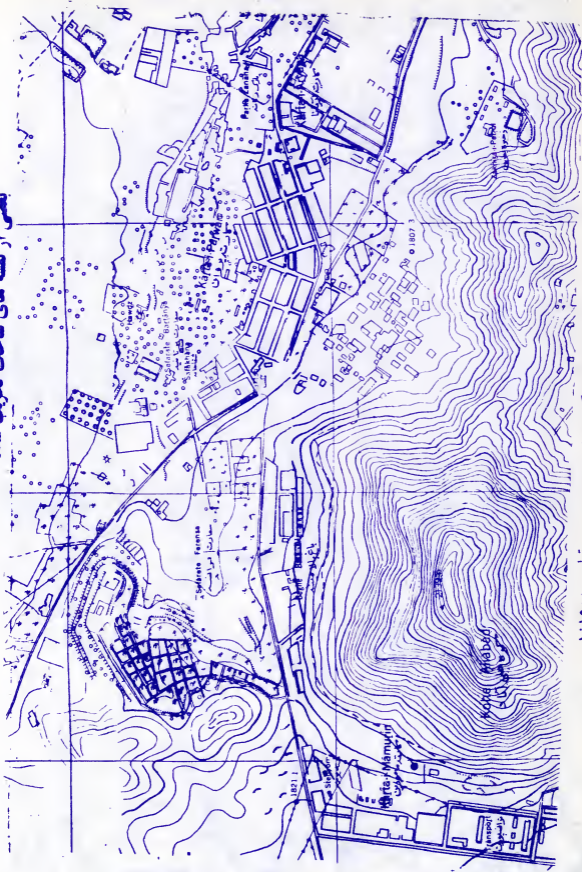
Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب

Sefere-i-Maktab  
سفارت مکتب



بعضی از نقش های تخریب شده



کارته پروان و کارته مامورین

مقیاس ۱:۱۵۰۰۰

کاملاً نابود گردانیده شد. مراکز تجارتي در ساحه چنداول، در ساحه چمن، در ساحه پل خشتی، سرای شهزاده و اطراف پسپاهی گمنام، کلیه مراکز عرضه اموال و اشیای ضروری به آتش زده شد و شهر ماهیت تجارتي و صنعتی خود را کاملاً از دست داد.

صنایع فلز کاری، حجاری و نجاری، طبخ نان و حتی گدام های ذخیره از کمپنی (دوراهی پغمان) الی پلچرخی تماماً حیف و میل شده و از استفاده همشهریان بطور دائم خارج گردید. صنایع حلبی سازی، نجاری، دستگاه های ااره کشی، آهنگری، مسگری، زرگری و کلیه صنایع خفیفه از مراکز اولی و اصلی بیجا شد که از لحاظ کمیت و کیفیت فعلاً ناچیز و در سطح نازل قرار دارد.

مراکز تجارتي اطراف سرای شهزاده، اطراف مسجد پلخشتی، اطراف مسجد عیده گاه و چمن، اطراف جاده میوند و چنداول و بازارهای پر ازدحام آن به شمول بازار میرویس میدان به يك ساحه غیر فعال و تقریباً متروک مبدل گردید که در مرحله بازسازی شهر کابل و اعمار مجدد آن احیای دو باره این جاها از مسایل بس اهم و رکن بزرگ اقتصادی شهر کابل بحساب می آید.

بقول مؤرخین بزرگ همچو دارمستر، ابو ریحان البیرونی و سایر مؤرخین، کابل در شاهراه بزرگ تجارتي مدنیّت باختر، آسیای مرکزی، سنده و پنجاب، هند و جهان عرب و فارس قرار داشت که از روزگاران باستان راه شمال -

جنوب شرق و غرب این منطقه آسیا از شهر کابل میگذشت، بنا بر آن یکی از عواملیکه کابل به حیث مرکز سیاسی و تجارتی شناخته شده بود همین موقعیت مهم تجارتی آن بود، بنا بر آن احیای مجدد و اعمار دوباره شهر کابل بنا بر شاخصهای تجارتی و ارزش های بازرگانی آن است که طبیعت این مرکزیت را به آن اهدا کرده است.

- فکتور موقعیت مرکزی Cetral Place Theory حتماً انرا مجدداً برارنده خواهد ساخت و این رکود مؤقت که فعلاً کابل را در انزوای تجارتی و سیاسی قرار داده است، بنا بر فکتور مرکزی راه رشد مجدد خود را دوباره خواهد پیمود و به صفت يك شهر بزرگ تاریخی و سیاسی در اندک زمان مجدداً تبارز خواهد کرد و اهمیت تاریخی و پارینه خود را دوباره کسب خواهد کرد.

- فعال شدن مراکز خدمات اجتماعی تلاینفک شهر های معاصر میباشد بخصوص شهرهای که حیثیت پایتخت را دارا باشد، خدمات اجتماعی در کلیه ابعاد شهری در نظر گرفته میشود. تا نیاز همشهریان، سیاحین، دیپلومات ها، تجار، اهل کسبه، صنایع و مراکز صحی، علمی و فرهنگی را بوجه احسن بر آورده بتواند.

در جمله مؤسسات خدماتی بیشتر از همه مراکز ذیل عطف توجه میکند:

۱- مراکز تأمین مواد اولیه از قبیل ضروریات و احتیاج عامه که آرد، روغن، بوره، برنج، گوشت، لبنیات، نان پخته و

سایر ضروریات یومیه که اغلباً در گدامهای شهری مارکیت ها، پیشبینی میگردد و مردم آنرا از مارکیت های نزدیک شهری بدست می آورند.

۲- و سایل تنویر و تسخین که شامل برق آبی، برقی حرارتی، گاز، تیل خاک، دیزل، چوب و زغال (زغال سنگ و زغالی که از چوب بلوط بدست می آید) میباشد.

برق آبی کابل که عمدتاً از ماهیپر، نغلو و سروبی تهیه میگردد فعلاً به تمام شهر رسیدگی نمیتواند و بنا بر مشکلات جنگ در اکثر بخش های که جنگ تحمیل شده سیستم توزیع برق، شبکه ها، جنکشن ها، میترها و لین های هوایی و زمینی آن شدیداً آسیب دیده که به جزء از شهر نو، کارته پروان و پروژه خیر خانه در دیگر نواحی شهر مردم ازین ناحیه به مشکلات زیادی مواجه میباشد.

کمبود شبکه های گاز و تهیه مقدار کافی زغال و چوب معضله دیگرست که فعلاً همشهریان کابل به آن مواجه میباشند، اما صعود قیم پرابلم دیگری محسوب میشود که تهیه مواد تسخین و سایر مواد را بر همشهریان مشکل میسازد. امید است که با استقرار صلح و ثبات سیاسی این نقیصه مرفوع گردد.

۳- شبکه های تلفون، تلگراف و رسانه های پوستی و مخابراتی از لحاظ خدمات شهری تا حدی در نواحی جنوب - شرق و غرب شهر کابل ملتوی و غیر فعال میباشد و تقریباً شبکه مخابراتی درین نواحی شهری برهم خورده و غیر قابل

استفاده می‌باشد.

۴- شبکه های آبرسانی و کانالیزسیون نیز در نواحی جنگزده شهر کابل برهم خورده و برای مردم آب صحتی و آشامیدنی به جز از چاهای محلی و چاهایکه مؤسسات خارجی آماده ساخته آب نل صحتی در دست استفاده قرار ندارد و بهمین ترتیب سیستم کانالیزسیون برهم خورده است.

۵- مراکز صحتی و عرفانی در نواحی جنگ زده کابل از مسیر اصلی خود منحرف گردیده به جز از پوهنتون کابل و انستیتوت طب دولتی دیگر مؤسسات فرهنگی نتوانسته است که در مسیر اولی خود قرار گیوند. شفاخانه علی آباد، سناتوریم، لیسه محمود طرزی، لیسه حبیبیه، عایشه درانی، لیسه غازی، دار المعلمین ها، ابن سینا، و سایر مکاتب تقریباً صدمه جبران ناپذیری برداشته که احیا و فعال ساختن دوباره آن بر حیثیت و پرستیج سیاسی و فرهنگی کابل می افزاید.

موزیم بزرگ ملی افغانستان در دارالامان تقریباً بکلی تخلیه شده و اشیای باستانی و تاریخی آن حیف و میل شده و بطور قاچاق از مرز وطن خارج گردیده است که باز گرداندن آن از طریق یونسکو و فاعلیت های دیپلوماتیک یک وجبیه فرهنگی و ملی برای هر افغان و زعامت سیاسی کشور بحساب می آید.

بهمین ترتیب احیای پارک های شهر و تفریحگاه ها به شمول باغ وحش کابل واقع در بریکوت، باغ چهلستون، باغ بابر، باغ دار الامان، تپه تاجبیک که از یک جانب باعث زیبایی

شهر میگردد از جانب دیگر بر عظمت و پرستیج سیاسی کابل می افزاید، امید است که با تأمین صلح و ثبات سیاسی این افتخار دوباره از آن شهر کابل گردد، تا باشد که در زمره مراکز سیاسی به صفت يك شهر بزرگ تاریخی مجدداً مقام قبلی خود را احراز نماید.

معضله بازسازی شهر کابل:

در شرایط فعلی جنگ و عدم ثبات و استقرار سیاسی و نبودن صلح سراسری افغانستان را تهدید میکند و از جانب دیگر حملات مستدام از جهات مختلفت شهر کابل را مجال آرامش نمیدهد بنا بر آن در بازسازی کابل سکتگی های زیادی را بار میآورد و آنهم به ترتیب ذیل:

- مهمترین معضله عدم تأمین امنیت و عدم صلح همگانی است، نفوس اصلی و باشندگان قبلی شهر که ترك دیار و کاشانه خود کرده اند جرئت نمیتوانند که دوباره روی خانه های ویران شده خود باز گردند، و نمیتوانند که بنا بر معضله مسکن در کجا بود و باش کنند، چطور خانه های مخروبه خویش را پاک کاری کنند؟ آیا کدام نوع تضمین مالی و جانی در برابر این فامیل ها وجود دارد یا نه؟ این همه سوالاتیست که هر فامیل آواره کابل به آن فکر میکنند و می اندیشند، بنا بر آن:

- عدم استطاعت و توان مالی و اقتصادی مالکین منازل و عدم توان مالی دولت و صعود سرشام آور قیم در

بخش اقلام وارداتی و ساختمانی تعمیراتی، توام با عدم ثبات سیاسی و عدم آرامش، بزرگ ترین معضله را در برابر مردم و دولت تشکیل میدهد.

- انتقال مواد مخروبه، گل و آوار تعمیرات ویران شده به خارج شهر و عدم موجودیت و سایط و وسایل انتقالات پرابلم دیگرست که در برابر مردم قرار میدهد.

- عدم موجودیت مواد خام تعمیرات به اندازه کافی در سطح کشور، خاصاً در چنین شرایطی که وحدت سیاسی میسر نیست بنا بر آن تهیه سمنت، گچ، چونه و خشت که به وسایط انتقالاتی مناسب و فضای آرام نیازمند است مع الاسف اکنون وجود ندارد.

- تهیه مواد ساختمانی از قبیل سیخ گول، آهن چادر، چوب تعمیراتی، ارچه، رنگ، شیشه، سیم برق، کیبل، نل و پایپ های مورد نیاز از خارج و یا داخل به قیمت خیلی گزاف بدست خواهد آمد.

- بلند بودن اجرت کار ماهرین ساختمانی از قبیل انجنیر، معمار و مزدور کار خیلی کمر شکن بوده که فامیل های کابل با در آمد ماهوار متوسط و یا معاش ماهوار اجرت کار یومیه را نمیتوانند به پردازند.

- کرایه وسایط ترانسپورتی و انتقال مواد به محل کار نیز از توان فامیل های با اقتصاد متوسط دور می باشد.

- بالاتر از همه کمبود نیروی کار و قوای بشری که در شرایط فعلی نیروی جوان همه در حالت مهاجرت در کشورهای

همسایه و دیگر ممالک بسر می برند معضله بزرگی را در برابر پیشبرد همچو کارهای عملی تشکیل میدهد.

- تحمیل فشار بر ارزش افغانی در برابر اسعار خارجی:

این مطلب از همه بیشتر بر پیکر اقتصادی کابل و افغانستان ضربه سنگین وارد میکند. بنا بر عدم موجودیت امتعه صادراتی از افغانستان بخارج و عدم اتکاء بر پول افغانی، قیمت افغانی ارزش خرید خود را در بازارهای خارج و افغانستان کاملاً از دست داده است. بناءً در شرایط فعلی پول افغانی بیش از يك سکه ناچیز نبوده و همواره خطوط جبهه جنگ بر آن تأثیر می اندازد.

- يك تعداد جوانانیکه در کابل می باشند، قسماً به

تحصیل قسماً در جستجوی لقمه نان مصروف بوده و قسماً در جمله نیروی گروپ های دفاعی داخل وظیفه می باشند که تا حدی در انکشاف و توسعه کارهای ساختمانی مشکلی را بار می آورد.

- راه های بیرون رفت بخاطر تطبیق پلان بازسازی و

اعمار مجدد شهر کابل:

تحقق بازسازی و اعمار مجدد شهر کابل تابع شرایط ذیل است:

- اولتر از همه فضای آرام، بدون تشویش، امنیت و

تأمین صلح سراسری در سطح کشور ضروریست تا همشهریان بتوانند بخاطر جمع و اطمینان خاطر پروگرام های ساختمانی و عمرانی خود را عملی کرده بتوانند، صلح و امنیت تقریباً يك وسیله مطمئن و وثیقه تضمین همه جانبه بخاطر اطمینان مردم



می باشد که با دلگرمی بکار عمران مجدد شهر و خانه خود  
علاقه میگیرند.

- با تطبیق و تأمین صلح و پروگرام بازگشت مجدد  
مهاجرین شهر کابل به شهر و خانه های شان مردم میتوانند  
تحت يك پروگرام منظم که ملل متحد و دولت های ذیربط آنرا  
سازماندهی نماید همشهریان ما دوباره به خانه و کاشانه شان  
عودت نمایند و از حیات فلاکت بار کمپ های پاکستان و  
دیگر کشور ها نجات یابند.

- با عودت دوباره مردمان شهر ایجاب مینماید که در  
پرتو شعار انسان دوستی و رعایت حقوق بشرو کشورهای  
دوست، مسلمان، و کشورهای انکشاف یافته در تأمین رفاهیت  
و تحقق عمران مجدد توجه عاطفی و بشردوستانه خویش را  
مبذول دارند تا باشد که پروگرام بازسازی شهر و بازگشت  
مهاجرین ما باامداد مالی شان امکان پذیر گردد.

- مطالبه کمک مالی از کشورهای انکشاف یافته همچو  
ایالات متحده امریکا، انگلستان، جرمنی، جاپان... تا این  
کشورها بصورت داوطلبانه و رضا کارانه در ساختمان يك  
بخش شهر سهم گیرند.

- جلب کمک های بین المللی بالاخص از صندوق وجهی  
جهانی، بانک جهانی و سایر سازمانهای اقتصادی اروپا،  
امریکا، جاپان، افریقا، جنوب و جنوب شرق آسیا.

- مطالبه کمک از کشورهای اسلامی همچو عربستان  
سعودی، امارات متحده عرب، کویت، قطر و خلیج، ایران،

پاکستان، ترکیه، سوریه، عراق، لیبیا، مصر و غیره.  
- پولهای امدادی سایر کشورها در يك حساب امانت بانك ملی و یا د افغانستان بانك بحساب دالری محفوظ و جمع آوری گردد و بعد از تثبیت احتمالی و مصارف تقریبی هر بخش شهری توسط يك کمیسیون با صلاحیت از بانك کشیده شده به مصارف شهری بکار برده شود. اندازه کار توسط انجنیران با صلاحیت و معتمد ارزیابی و کنترل گردد و هر نوع استفاده جوي به جرم خیانت ملی محسوب و به اشد مجازات محکوم گردد.

- خدمات متمم شهری از طریق اورگانهای مختلف و مؤسسات داخلی کشور در پهلوی کمک های خارجی که متمم خدمات شهری می باشد، اورگانهای آتی آنرا انجام دهد تا باز سازی شهر سرعت یابد:

وزارت کار و ساختمان تطبیق تمام امور ساختمانی را بعهده خواهند داشت، بهمین ترتیب شهر سازی و خانه سازی وزارت آب و برق، تجارت، ترانسپورت، مخابرات، فواید عامه، شاروالی کابل، معادن و صنایع، صحت عامه، هوانوردی ملکی، وزارت معارف، بانکهای داخلی، در مجموع تنظیم های مختلف جهادی هر کدام به نوبه خود به حیث متمم بازسازی شهر نقش و اثرمندی خاص را در بخشهای فعالیت خود خواهد داشت، تماماً به صفت يك مجتمع کاری دست به دست هم داده پروسه اعمار مجدد شهر را سرعت و تحرك بخشند و تماماً به حیث يك تیم واحد صرف مساعی ورزند.

راه انداختن کار های داوطلبانه مؤسساتیکه دارای نیروی بشری اند سازمان خواهند داد و وزارت های داخله، امنیت و دفاع در تأمین امنیت امور ساختمانی بذل مساعی خواهند ورزید.

### شکل عملی و تطبیقی بازسازی شهر:

بخاطر آنکه يك قسمت بزرگ شهر تخریب شده و در جمله ساحات ویران شده شهر کهنه و قسمت های نامطلوب شهری که بامستر پلان اصلی شهر هماهنگی و مطابقت ندارد، مجدداً مورد بررسی قرار گیرد و مهندسین مسوول و باصلاحیت آن نواحی را مطابق نورمهای ساختمانی داخل ماسترپلان سازند. بهمین ترتیب درین اواخر تصرف و انحرافاتیکه در ماسترپلان وارد شده تماماً روی نقشه جدید تثبیت و آن ساحاتیکه با ماسترپلان هماهنگی ندارد، در نقشه شهری اصلاح گردد. ازین لحاظ ایجاب مینماید که نقشه شهری کابل با ماهیت اصلی و فعلی اش تازه ترسیم و سروی گردد. و در پهلوی آن ماستر پلان شهر مطالبه و با نقشه فعلی مقایسه گردد تا بطور اساسی ماستر پلان شهر در عرصه ساختمانی اش تطبیق گردد.

بهمین ترتیب يك سروی اساسی ایجاب مینماید که نفوس فعلی شهر در کدام نقاط تراکم یافته، تناسب نفوس فعلی، نفوس مهاجر شهر و نفوس بعدی بعد از تطبیق ماستر پلان مطالعه شود که در کدام نواحی به چه تناسب خواهد

رسید.

ماستر پلان شهر کابل بار اول در سال ۱۳۴۵ طرحریزی گردید، که برای باشندگان شهری ساحه ۲۳۷۸۰ هکتار زمین را احتواء می‌کرد و برای ۸۰۰ هزار نفر منازل مسکونی را بوجود می‌آورد.

اما ماستر پلان دومی در سال ۱۳۴۹ در ساحه ۲۹۹۰۰ هکتار زمین برای بود و باش ۱۴۱۶۰۰۰ نفر پیشبینی گردید، بعداً در سال ۱۳۵۷ متخصصین شهر سازی شاروالی و دیگر اورگانهای ذیربط در ساحه ۳۲۳۴۰ هکتار زمین با امکان سکونت دو میلیون نفر در نظر گرفته شده بود. تقسیم ساحات مربوط و استفاده از اراضی شهری به

ترتیب ذیل محاسبه شده است(۱):

طور استفاده اراضی	مساحت به هکتار	فیصدی از مجموع ساحه ماستر پلان
مجموع ساحات مسکونی	۱۶۸۴۰	۵۲ فیصد
۱- مکروریانها و نواحی‌هایش	۹۵۲۰	۲۹٫۴ فیصد
۲- تعمیرات بلند منزل	۴۵۷۴	۲۴٫۱ فیصد
۳- تعمیرات کم منزل	۴۹۴۶	۱۵٫۳ فیصد
- تاسیسات عام المنفعه	۸۶۰	۲٫۷ فیصد
- سرك و عیدانها	۲۸۸۰	۸٫۹ فیصد
- ساحات ورزشی وساحه سبز	۳۵۵۷	۱۱ فیصد
- تاسیسات صنعتی	۱۷۷۰	۵٫۵ فیصد

۱- ورکشاپ طرح، پالیسی طی مسکن در افغانستان، کابل، (۲۶- ۲۸)

سنبله ۱۳۶۹.

۸ فیصد	۲۵۹۰	- ساحه خدماتی و گدامها
۱,۹ فیصد	۶۰۰	- ساحات تعلیمی و تحصیل
۷,۷ فیصد	۲۵۰۰	- ترانسپورت خارجی
۲,۶ فیصد	۸۳۰	ساحه خاص
		ساحه غیر قابل ساختمانی
۲۲,۳ فیصد	۶۸۲۰	(کوه تپه و درياه)

به منظور تحقق ماستر پلان لازمی پنداشته میشود که ماستر پلان شهر اگر بدست آمده بتواند، تکثیر و به مراجع علمی، فرهنگی، مهندسين شهر سازی و انجیرری راجع گردد، تا آنها با نورمهای معاصر شهری آنرا بررسی و با طرز انتقادی بطور همه جانبه آنرا مرور نمایند، تغییراتیکه وارد می آید و یا آنحرافاتیکه در ماستر پلان بوقوع پیوسته آنرا به مقایسه ساختمانهای موجود اصلاح و تصحیح نمایند.

مطابق ماستر پلان تمام مؤسسات خدمات اجتماعی، اداری با نورم جهانی در ماستر پلان جا بجا گردد، مراکز بود و باش و نقاط مسکون از قبیل بلند منزها، اپارتمانها، منازل دو طبقه یی، چندین طبقه یی و یک طبقه یی، مراکز صحی کلنیک ها، مراکز فرهنگی، تعلیمی، اداری، تفریحی، و پارکهای شهر باید مطابق معیارهای شهری متناسب به نفوس در ماستر پلان در نظر گرفته شود. راه های مواصلاتی و ترانسپورت شهری، شبکه های آبرسانی، برق، مخابرات، و سایر پایپ لاین ها، کانالیزسیون، و پایپ های گاز غرض تسخین بایست طور منظم در شهر مد نظر باشد، مارکیت های خورد و بزرگ، سوپرمارکیت ها، مراکز تجارتي، مراکز

صناعتی، شخصی و دولتی، صنایع دستی، ذخایر ارتزاقی، محروقاتی، ذخایر آب و غیره بطور همه جانبه طوری تنظیم گردد که مشکلات مردم و شهروندان را بدرستی رفع کرده بتواند. بهمین ترتیب در سرسبزی شهر و بوجود آوردن کمربندهای سبز طوری تدابیر اتخاذ گردد که باعث از بین رفتن و تخریب منازل نگردد، بلکه در حاشیه شهر و در ساحات بایر و خشك که فاقد ساحه زیست و منازل مسکونی باشد، اشجار زینتی غرس گردد تا به زیبایی شهر بیفزاید و از خشکی هوا و گرد آلودی جلوگیری نماید.

- نتیجه گیری و پیشنهادات:

- تحقق بازسازی شهر کابل بدرجه اول نیاز مبرم به صلح و ثبات اتحاد و اتفاق کلیه نیروها و زندگی مطمئن همشهریان دارد.

- آماده ساختن مؤسسات بین المللی و دول دوست مسلمان و همسایه به خاطر کمک مالی.

- مرور و سروی همه جانبه در ماستر پلان شهری موازی با معیارهای پذیرفته شده جهانی و اعطای صلاحیت در تطبیق آن به يك کمیسیون با صلاحیت ملی.

- تثبیت مصارف ساختمانی ساحات ویران شده و تعیین يك ساحه (ویران شده) به صورت نمونه و سمپل.

- بررسی و ارزیابی نفوس شهری قبل از سال ۱۳۷۱ و بعد از سال ۱۳۷۶ بخصوص در ساحات جنگ زده شهر.

- تهیه مواد خام تعمیراتی ازکشور هایکه در بدل پول

و یا طور امداد میتوانند مواد مورد نیاز تعمیراتی را با آلات و افزار ساختمانی آن در اختیار دولت میگذارند.

- خط السیر ترافیک شهری جداً قابل تجدید نظر می باشد تا باعث آرامش همشهریان در امور روزمره شده بتواند.
- ساحات سبز و اطراف جاده ها با غرس مجدد اشجار زینت داده شود و پلان کمربند سبز در اطراف شهر عملی گردد.
- ساحات خود سر باید تخریب و مطابق ماستر پلان اعمار مجدد شهر عملی گردد.

- ای هموطن!

ای برادر! غرور ملی تو بود که افغانستان را آزاد ساخت  
و در طول تاریخ امتحانی از مردانگی،  
شجاعت و آزاد منشی داده یی.  
اما بیایید که قضاوت نمائیم و به جرئت  
اعتراف کنیم که این من و تو بودیم که کابل و سایر شهرهای  
وطن را به ویرانه مبدل ساختیم و تخریب کردیم.  
آیا این ویرانی و نفاق را تا کی ادامه دهیم و وطن را  
از ریشه و بنیاد تباه کنیم!

بیا که دست برادری و اتحاد را با يك ديگر بدهیم و در  
عمران مجدد کشور سهم بگیریم از نفاق و ویرانی ما دیگران  
بهره می برند، پس چرا مضحکه دیگران باشیم.  
تو برادر من و من برادر تو هستم، خانه، فرهنگ، وطن  
و منافع ملی ما مشترك است، ما برادران هموطن و برادران  
مسلمان يديگر هستيم (انما المؤمنون اخوة...) که جای هیچ  
سوالی را در میان نمیگذارد، پس حق مادر وطن را به حیث  
يك فرزند صالح باید ادا کنیم.  
بیایید که بصراحت اذعان نمائیم که ما به این وطن چه  
کرده ایم.

"نه پرسید که وطن به شما چه می تواند  
به پرسید که ما به وطن چه می توانیم"

Ask not what country can do for you,  
Ask what you can do for your country

J.F.K



## فهرست ماخذ

- جیبی، عبد الحی، بالاحصار کابل، مجله پوهنتون کابل، ۱۳۴۸.
- رهین، رسول، شهر کابل، مجله جغرافیه، پوهنتون کابل، ۱۳۴۸.
- عارض، غلام جیلانی، جغرافیه شهری، پوهنتون کابل، ۱۳۶۱.
- عارض، غلام جیلانی، شهر کابل، مجله جغرافیه، پوهنتون کابل، ۱۳۴۴.
- عارض، غلام جیلانی، کابل مجله، (متن انگلیسی) پوهنتون کابل، ۱۳۵۴.
- مرغشت، رهنمای کابل، مطبعه کابل، ۱۳۵۰.
- فاوئر، ل، گری، سکونت در شهر، ژورنال جغرافیه، جلد، ۷۱، نمبر ۵، ۱۹۷۲.
- سالنامه احصائیه مرکزی، نفوس نواحی شهر، کابل، ۱۳۵۸.
- سالنامه احصائیه مرکزی، نفوس نواحی شهر، کابل، ۱۳۵۹.
- مشاهده، مستقیم نواحی شهر کابل، ۱۳۷۵ توسط مؤلف.
- ورکشاپ، طرح پالیسی ملی مسکن در افغانستان، کابل (۲۶) - ۲۸ سنبله) ۱۳۶۹.

II. In external and international scale:

- Contact with U.N's related branches for a large scale donation in this respect.

- Contact with developed countries e.g. U.S.A, E.U, Japan, Canada and others.

- Contact with Islamic and Gulf countries to provide fund for renovation of Kabul. Thus through this booklet I propose to all mentioned sources that from philanthropic point of view. Please help our Kabul city and our nation as well.

Prof. Gh. J. Arez.

# Kabul of tomorrow

## (with its unclear future)

This part deals with the future of Kabul. There are some suggestions and proposals that how and in what circumstances Kabul of tomorrow can be rehabilitated and its renovation can be manipulated by experts.

There are two essential solutions in this regard:

- I. In nation wide internal level:
  - Restoration of peace through out the country.
  - Establishment of a stable and over-all acceptable government.
  - Parliamentary control on the governmental activities.
  - Repatriation of scholars, merchants and all skillful Afghans who live abroad.
  - cooperation of all governmental and private organization for the reconstruction of Kabul and Afghanistan.
  - Extension of academic institutions.
  - Applying all procedures of urbanism on the basis of a well designed master plan.

and all urban net works were exported to neighboring countries, At present Kabul is ghost town where a few number of population is walking around but no smile on their lips, all kind of poverty is imposing on them and no one hearing their voiceless cries.

## Kabul of today

In this chapter you can find a bird eye view and a general panorama of disastrous and frustrated events which were imposed by soviet and Sovietests whilst the influence of communism was dominant in Kabul (1978 - 1991).

Islamic groups were struggling for the liberation of Afghanistan as a whole. But internal wars were concentrated in Kabul. Many times Kabul was under the shower of rockets. Afghan Islamic Revolutionaries were successful to retreat USSR red troops and with draw them from the country and step by step they proceeded toward Kabul, As a result kabul and Afghanistan liberated from the yoke of Soviet Union and their relevant communistic trends.

When ever Islamic groups arrived in Kabul, unfortunately instead of joint work and unified action they struggled for power and they destroyed Kabul and changed it to a pile of ashes and nothing were left in the city. The ground of Kabul was furnished with a crust of semi fire and semi-ashes with surreal political atmosphere. The entire infrastructure of Kabul were removed to abroad and as a result the whole city was evacuated from its original entities. Academic and educational centers were destroyed

procedures in the university level. On the basis of Humanitarian rights women were allowed to work in official offices, which was sign of a brilliant cultural evidence.

Urbanism with its all facilities were implemented. Transportation, electricity, commercial, communication, water supply and marketing promoted to a higher profile than before.

Diplomatic centers and embassies manifested a political prestige to the Kabul city.

## Summary



# Kabul (of yesterday)

This chapter is dealing with the past and historical merits of Kabul through which one can examine the historical and political significance, strategic and commercial values of the city. Kabul was a focal point in the central Asia where Kabul Shahan ruled the whole parts of this region. The importance of its central location endowed it superiority in the past history of Asia. Kabul was an important link between North-South and East-West commercial routes and due to this fact Kabul possessed a great strategic importance among neighboring countries.

Balahisar as an important citadel and fortress encircled the whole city with great walls which was extremely valuable for the defence of the city.

Kabul city developed in 20th century as an industrial metropolitan having all kinds of urban facilities based on socio-economic and technology. Education was highly developed and coeducation was going on with its normal

## About the Author



- Prof. Gh. Jailani Arez is born in Kabul.
- Received his B.A. from Kabul University, 1960.
- M.A. from Colorado State University U.S.A. 1966.
- Full bright scholar and Ph.D Candidate in the University of Arizona U.S. A. 1972.
- Full Professor in Kabul University since 1975.
- Author of more than 12 text books for faculty of Geo-Science, Kabul University.
- Author of more than 200 articles (Dari, Pashtu and English).
- Participation in International conferences -
  - . Cartography in India 1967.
  - . South East Asia comparative social research, India, 1967.
  - . Firdausi, Silk Route, Koshan Empire, Albiruni in Kabul.
  - . Islamic Geographers in Riyadh, Saudi, Arabia.
  - . Science and technology in Tehran Iran.
  - . Executive conference in Aspen Colorado U.S.A.
  - . Communication in Michigan University, U.S.A.
  - . Foreign Policy in Washington D.C. U.S.A.
  - . Oriental Countries in Chicago U.S.A.
  - . Pak Geographer conference in Peshawar University.
  - . Higher Education, in Berlin Germany.
- Career (1966 - 1995):
  - . Head of the Institute of Geography.
  - . Editor of Geographical Magazine.
  - . Dean of Faculty of Geo-Science for two terms.
  - . Vice President of Kabul University for two terms.



AR 18

B

2.12601

ARE

7311

---

# ARABUE

## YESTERDAY

## TODAY

## AND ITS UNCLEAR FUTURE

---

By: Prof. Ghulam Jailani Arez

1998